



شاید پرداختن به این بیت شعر زیبای حافظ شیرازی، در این آغازین روزهای فصل پاییز، موجب تعجب شود؛ اما اگر فرارسیدن ماه مهر و بازگشایی مدارس را به منزله بهار تعلیم و تربیت و آغاز فصل دانش آموزی و آگاهی بدانیم، آنگاه درمی‌یابیم که بهار دانستن و آموختن از راه رسیده و غنچه‌های باغ زندگی - دانش‌آموزان عزیز- بار دیگر جان‌های تشنه و مشتاق فراگیری دانش و معرفت خویش را به پیشگاه معلمان و مربیان عزیز خویش عرضه داشته‌اند تا سرشار از نور فهم و کمال و آگاهی گردد.

شهرستان اردکان از آن روی از دیرباز به یونان کوچک و مهد علم و ادب و فرهنگ

شهره است، که جایگاه بزرگان، نام‌آوران، ادیبان و دین‌داران است. دیار اردکان همواره در سال‌های گذشته در زمینه‌ی کسب رتبه‌های ممتاز در آزمون‌های سراسری توسط دانش‌آموزان عزیز، زبان‌زد بوده و این موفقیت به‌دست نیامده مگر به لطف خدا، تلاش و همراهی والدین عزیز، مجاهدت دانش‌آموزان و نقش‌آفرینی ممتاز معلمان و مربیان گرامی.

آرزو می‌کنیم که این مسیر افتخارآفرین، امروز نیز با تلاش و مجاهدت فرزندان عزیز دانش‌آموز این دیار و آگاهی بخشی و دل‌سوزی معلمان شریف و بزرگوار، همچون گذشته تداوم یابد و موجبات سربلندی و عزت مردمان نگین کویر ایران را فراهم آورد.

به همه دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت در مدارس سراسر شهرستان و همچنین والدین شریف و بزرگوار دانش‌آموزان، که توجه تام و تمام خود را در جهت پیشرفت و ترقی فرزندان خویش مبذول می‌نمایند، درود می‌فرستیم و از خداوند منان سربلندی و سعادتشان را آرزو می‌کنیم.



موزه فرهنگ، نماد فرهنگ
صفحه آخر

صفحه ۵



از صفر تا بیست...

درباره تعطیلی روز ششم

صفحه ۳



مهرماه ۱۳۹۱

ضمیمه رایگان
دو هفته‌نامه آینه کویر
نشریه مردم نگین کویر ایران

هفته‌نامه

ویژه‌نامه آغاز سال تحصیلی
www.Ayine.com

دو هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی استان یزد
شنبه، اول مهرماه ۱۳۹۱ - سال یازدهم
شماره ۳۲۶ - ۸ صفحه



بوی ماه مدرسه...



و تهذیب نسل جوان و آینده‌ساز این دیار ادب‌پرور سهمی بزرگ و غیر قابل انکار دارد.

برخود فرض می‌دانم به عنوان خدمتگزاری کوچک بر دستان پرهمت یکایک آنان بوسه زده و آرزو مندم سال جدید تحصیلی را با توکل بر نام حضرت حق و با بهره‌مندی از منویات مقام معظم رهبری و استعانت از ارواح طیبه شهدا که صاحبان و ولی‌نعمتان حقیقی این نظام مقدس هستند، آغاز نموده و با همدلی و همراهی، کاستی‌ها را جبران و قلال رفیع موفقیت‌های علمی و اخلاقی را یکی پس از دیگری فتح نمایید.

بی‌شک در این مسیر، مردم فهیم اردکان همچون گذشته، ما را تنها نخواهند گذاشت و برای تعالی فرزندان خود از هیچ مساعدتی دریغ نخواهند ورزید. توفیق الهی قرین راهتان باد.

پیام مدیر آموزش و پرورش اردکان به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

اکبر نوریان، مدیر آموزش و پرورش شهرستان اردکان در پیامی آغاز سال تحصیلی جدید را شادباش گفت. متن این پیام بدین شرح است:

مَنْ عَلَّمَنِ خَرَفًا، قَدْ صَوَّرَنِي عَبْدًا
فرهنگیان فرهیخته، مردم شریف اردکان

خدا را شاکریم که در سایه‌سار درخت تناور ایثار و شهامت سروقمانی که این ایام مزین به نام و یادشان است، با همت شما فرهنگیان فرزانه، تعلیم و تربیت برخاسته از بطن دین مبین اسلام هر روز بیش از پیش پرثمر و نهادینه می‌گردد.

خانواده بزرگ فرهنگیان اردکان بر خود می‌بالد که در مسیر پرشرافت تزکیه



پیام وزیر آموزش و پرورش به مناسبت بازگشایی مدارس

وزیر آموزش و پرورش به مناسبت بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی ۹۱-۹۲ پیامی صادر کرد. متن کامل این پیام بدین شرح است:

نسیم پاییزی طبیعت، عطر جان‌فرای بهار تعلیم و تربیت را در سرزمین سلمان پارسی پراکنده می‌کند و حیاتی تازه همراه با شور و نشاط در کالبد کودکان و نوجوانان این مرز و بوم می‌دمد. مدارس غبار تعطیلی تابستانه را از چهره زدوده، فرش زرین خود را زیر پای طالبان علم و دانش و معرفت پروردگار می‌گسترانند تا معلمان متعهد و دلسوز با نور هدایت خویش سرود حق‌طلبی، دلدادگی، مهرورزی، ولایت‌مداری، اعتماد به نفس را در گوش جان آنان ترنم نموده، آنان را به سوی فتح قله‌های رفیع دانش و معنویت، خودشناسی و خداشناسی و کسب مراتبی از حیات طیبیه رهنمون گردند. بویژه آن‌که تقارن این ماه با هفته دفاع مقدس حالات آن را دوچندان ساخته که یادآور مجاهدت، ایثارگری و دلاورمردی‌های قریب ۴۰ هزار دانش‌آموز و فرهنگی است که مسیر تعلیم و تربیت اسلامی را به درستی پیموده و جان شیرین خویش در طبق اخلاص نهاده تقدیم جانان نمودند تا من و شما در محیطی امن و آرام به تعلیم و تعلم پردازیم، سال نو تحصیلی به سبب برخورداری از ویژگی‌های منحصر به فرد از اهمیت خاصی برخوردار بوده و از سال‌های گذشته متمایز گشته است، که به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌گردد :

۱- تصویب، رونمایی و صدور دستور اجرای سند تحول بنیادین نظام آموزشی که برای اولین بار در طول تاریخ آموزش و پرورش از سندی جامع و ماندگار به مثابه قانون اساسی برخوردار گردیده که اجرای بند به بند آن به صورت دقیق از مطالبات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است که با الهام از مبانی ارزشمند اسلامی تدوین شده و تربیت انسانی و ارسته و کسب اقتدار و مرجعیت علمی در جهان را در افق ۱۴۰۴ هدف قرار داده است.

۲- تأسیس دانشگاه جامع فرهنگیان و ۶۴ پردیس استانی آن که با هدف ارتقای منزلت و صلاحیت‌های حرفه‌ای و مرجعیت علمی و اجتماعی معلمان، به‌روزرسانی دانش، بینش و مهارت معلمان و تربیت معلمانی آگاه، متعهد، مسئولیت‌پذیر در تراز جمهوری اسلامی ایران .

۳- استقرار نظام آموزشی جدید و افزایش طول دوره آموزشی ابتدایی به ۶ سال

پیام مدیرکل آموزش و پرورش استان یزد

محمدکاظم رحیمی‌نژاد، مدیرکل آموزش و پرورش استان یزد با انتشار پیامی، آغاز سال تحصیلی جدید را به دانش‌آموزان و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت استان تبریک گفت. متن این پیام بدین شرح است:

با سلام و صلوات بر بزرگ معلم انسان‌ها، پیامبر مهربانی و رحمت، ختمی مرتبت حضرت محمد ابن عبدالله صلوات الله علیه وآله و سلم و سایر انبیا و اولیای الهی، فرا رسیدن بهار تعلیم و تربیت، فصل تلاش و کوشش برای یاددهی و یادگیری را به تمام فرهنگیان، دانش‌آموزان و خانواده‌های گرامی آنان تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

همراهی این ایام با هفته دفاع مقدس فرصتی برای یادآوری و تجلیل از رشادت‌ها و دلاوری‌ها و جانفشانی بزرگ‌مردانی است که با اهدای خون خود عزت و عظمت و استقلال ایران اسلامی را تضمین کردند. یاد و خاطره حماسه‌آفرینان دفاع مقدس و همه شهدای والامقام و امام شهدا به‌ویژه ۱۲۲ معلم و ۱۰۰۵ دانش‌آموز شهید استان یزد را گرامی می‌داریم و به‌روح پرفروش این بزرگواران درود و سلام می‌فرستیم. قطعا ملت قدرشناس ایران یاد و خاطره رشادت‌ها و جانفشانی این عزیزان را هرگز از یاد نخواهد برد.

در اول مهرماه بر خود لازم می‌دانم از تلاش‌ها و کوشش‌های همکاران عزیز، فرهنگیان بزرگوار و تمامی کسانی که برای فراهم آوردن زمینه تحصیل هر چه بهتر آینده‌سازان اسلامی از هیچ کوششی دریغ نورزیده‌اند قدردانی نمایم. بدون تردید معلمان عزیز محور تحول بنیادین در آموزش و پرورش هستند که دانایی‌محوری و خردورزی را در کلام رسا و شیوای خودشان جاری و ساری و به منصف ظهور می‌رسانند.

بی‌شک مهر امسال و سال تحصیلی ۹۲-۹۱ شروعی بر بزرگترین رویداد فرهنگی کشور است که به دست فرهنگیان و دانش‌آموزان نسل حاضر رقم می‌خورد. آغاز تحول بنیادین در آموزش و پرورش و اجرای نظام ۶،۳،۳ استوار بر جهان‌بینی توحیدی و مبتنی بر تفکر قرآنی، سنت و سیره پیامبر اکرم و اهل بیت طاهرینش، زمینه‌ساز حیات طیبیه‌ای خواهد بود که غایت و مقصود جهاد علمی و تربیتی ماست.

حرکت‌های جهادی و اقدامات ارزشی آموزش و پرورش در سال‌های اخیر، دستگاه تعلیم و تربیت را به تلاش و تکاپویی ارزشمند در راستای تحقق مطالبات و فرامین مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین رهنمون ساخته است. امید است با کمک معلمان عزیز و فرهنگیان گرانقدر و فرهیخته استان و با عزم راسخ دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان، شاهد پیشرفت همه‌جانبه آموزش و پرورش و شکوفایی استعدادهای درخشان و بالقوه دانش‌آموزان عزیز استعباده و دارالعلم یزد باشیم.

در پایان با اعلام انزجار از عاملان هتک حرمت گستاخانه به ساحت مقدس نبی مکرم، هوشیاری و همبستگی مسلمان جهان را در محکومیت این اقدام وقیحانه ارج می‌نهمیم و اعلام می‌نماییم چنین حرکت‌هایی نمی‌تواند خدشهای به بیداری اسلامی و موج اسلام‌خواهی در جهان وارد کند و آمریکا و صهیونیسم که به پایان خط سلطه نزدیک می‌شوند شکست خورده اصلی این ماجراجویی مذبح‌خانه خواهند بود.

با توجه به انعطاف و تربیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی که به اعتقاد اکثر صاحب نظران دوران شکل‌گیری شخصیت است و افزایش کارآیی درونی و اثربخشی دوره ابتدایی با توجه به هم‌خوانی و هماهنگی ساختار با مراحل رشد و یادگیری کودکان و افزایش ضریب ماندگاری آموخته‌های دانش‌آموزان و آموزش مهارت‌های زندگی و جایگزینی شیوه‌های تدریس پژوهش‌محور به جای شیوه‌های حافظه‌پرور .

۴- حاکمیت رویکرد تربیت قرآنی با توسعه مدارس قرآنی، راه‌اندازی کرسی‌های تلاوت و تفسیر قرآن کریم در مدارس و افزودن یک ساعت آموزش قرآن کریم در تمام پایه‌های دوره ابتدایی .

۵- توسعه مراکز استعدادهای درخشان، مدارس نمونه دولتی شاهد و ایثارگران با هدف ایجاد زمینه رشد و شکوفایی استعدادهای برتر، تأمین عدالت آموزشی و تکریم فرزندان معزز شهدا و ایثارگران.

۶- راه‌اندازی مجتمع‌های آموزشی و پرورشی روستایی و عشایری و شهری با هدف توسعه عدالت آموزشی و ایجاد فرصت برابر و هم‌افزایی علمی و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های موجود در مدارس اقماری.

۷- ساماندهی زمان آموزشی در مدارس با هدف ایجاد زمینه مناسب حضور بیشتر و بهره‌گیری دانش‌آموزان از کانون گرم خانواده و اغنای عاطفی آنان و ایجاد فرصت نوسازی، به روز و ارتقای دانش و مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای برای معلمان.

۸- توسعه متوازن رشته‌های فنی و حرفه‌ای با هدف خوداتکایی علمی و صنعتی کشور در راستای تحقق منویات مقام عظمای ولایت مبنی بر تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی .

۹- راه‌اندازی مدارس تخصصی ورزش، ساخت سالن‌های ورزشی و استخر شنا با هدف تقویت ورزش حرفه ای کشور و نیل به جایگاه برتر منطقه و اجرایی شدن طرح‌های آموزش شنا، ژیمناستیک، طناب‌ورز، دو و میدانی ... با توجه به شعار عقل سالم در بدن سالم و تأمین سلامت بدن در گرو ورزش همراه با نشاط و تعالی خواهد بود. کسب مدال‌های رنگارنگ دانش‌آموزان جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های بین‌المللی تنها بخشی از دستاوردهای این رویکرد است .

۱۰- تألیف کتب درسی پایه ششم و تغییر محتوای کتب درسی پایه دوم بر مبنای راهبردهای سند تحول بنیادین با رویکرد تفکرمحوری و پژوهش‌محوری. و این همه در سایه عنایات حق تعالی و همدلی و هماهنگی و هم‌افزایی همکاران گرامی در سراسر کشور فراهم گردیده است.

افتتاح ۲۰ مدرسه قرآنی

محمد کاظم رحیمی‌نژاد در آیین جشن شکوفه‌ها و افتتاح مدرسه قرآنی حضرت ابوالفضل (ع) ناحیه ۲ یزد ضمن تبریک به مناسبت دهه کرامت و هفته دختر گفت: امیدواریم این دهه فرصتی برای دختران و زنان در جهت تبعیت از حضرت فاطمه معصومه (س) و مردان و پسران این کشور در جهت تبعیت از حضرت علی بن موسی‌الرضا (ع) باشد.

وی افزود: افتتاح این مدرسه قرآنی در استان یزد حرکت ارزشمندی در جهت ثبت کردن و تأیید بر آغاز یک حیات جدید و زندگی جدید است و فرصتی که فراهم شده برای اینکه همه ابعاد وجودی عظیمی که خداوند در بندگان خودش قرارداد با دستان پر مهر معلمین و همراهی خانواده‌ها به ظهور برسد و انسان را در جایگاه اعلا عینیت ببخشد و تحقق یابد.



آغاز سال تحصیلی ۲۳۴۰ دانش‌آموز استثنائی

همزمان با جشن شکوفه‌ها ۲۳۴۰ دانش‌آموز استثنائی استان سال تحصیلی جدید را در ۲۰۲ کلاس و ۳۲ آموزشگاه آموزش و پرورش استثنائی استان آغاز کردند.

در این مراسم، مدیرکل آموزش و پرورش استان یزد، ماه مهر را ماه جوشش و کوشش و طراوت انسانی دانست و افزود همان‌طور که در آغاز بهار طبیعت زنده می‌شود، اول مهر آغاز حیات پرنشاط انسان برای کسب علم و معرفت است.

رحیمی‌نژاد از شهدای دانش‌آموز و فرهنگی استان تجلیل کرد و نظام ارزشی و بنای فکری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را تعالیم عالیه اسلام و سنت و سیره رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار دانست.

وی به آمادگی استان برای ورود به سال تحصیلی جدید اشاره کرد و افزود بحمدالله امسال آموزش و پرورش استان برای استقبال از مهر ماه‌ها است که آمادگی کامل دارد و حداقل سه ماه از سال گذشته جلوتر هستیم و برای اجرای نظام ۶-۳-۳ برنامه‌ریزی کرده‌ایم.

فرماندار یزد نیز در این مراسم سال تحصیلی جدید را به همه معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌های یزدی تبریک گفت و اظهار امیدواری نمود آینده‌سازان یزدی همچون گذشته هم در علم و هم در تعهد و تدین پیش‌تاز

رحیمی‌نژاد در ادامه گفت: این حرکت در سال جدید و در این آموزشگاه و دیگر مدارس قرآنی یک رنگ و روی جدیدی به خود گرفته است و نظام آموزش و پرورش کشور ما یک نظام آموزشی مبتنی بر تعالیم اسلامی است و سند تحول بنیادین هم بر همین مبنا شکل گرفته است و اصول کلی آموزش و پرورش را تدوین کرده است.

وی ادامه داد: از مجموع ۵ هزار مدرسه قرآنی در کشور ۲۰ مدرسه قرآنی در استان یزد می‌باشد که با رویکرد قرآنی و با محوریت سه پایه اول شروع شده است. رحیمی نژاد هدف از ایجاد مدارس قرآنی را فراهم کردن فرصتی خاص‌تر با رویکرد قرآنی و فعالیت‌های ویژه‌تری در راستای ایجاد فضای قرآنی در جامعه دانست.

مدیر کل آموزش و پرورش استان یزد گفت: همچنین طرح‌های قرآنی و طرح همگام با قرآن هم در مقطع ابتدایی و هم در مقطع راهنمایی اجرا شد و یک حرکت خوب برای عجبین شدن فکر و ذهن دانش‌آموزان با قرآن بود و بازخورد هایی که معلمان و خانواده‌ها بیان کردند حاکی از تأثیرات عمیق آن بر رفتار دانش‌آموزان است.

وی ابراز امیدواری کرد قدمی که در راستای گسترش فرهنگ قرآنی و حاکمیت قرآن و خروج از محجوریت قرآن در نظام مقدس جمهوری اسلامی انجام شده در قالب مدارس قرآنی نتیجه دهد و این حرکت در کنار سایر فعالیت‌هایی که در سال گذشته انجام شد امسال هم بتواند موفق باشد.

رحیمی‌نژاد در پایان گفت: گزینش مربیان قرآنی می‌تواند قدمی در جهت قرآنی‌تر کردن و گسترش آموزه‌های قرآنی در مدارس استان یزد باشد.

و سرآمد باشند.

عزیزالله سیفی آموزش و پرورش را سنگ زیرین جامعه دانست و افزود: رشد و توسعه جامعه موهون آموزش و پرورش است و اگر کشور به آموزش و پرورش توجه و اهتمام کند ما در کشور نباید با مشکلی مواجه باشیم.

رئیس شورای آموزش و پرورش شهرستان یزد به دو برابر شدن اعتبارات آموزش و پرورش در سطح شهرستان یزد اشاره کرد و افزود: همگان باید برای رفع مشکلات آموزش و پرورش با دستگاه تعلیم و تربیت استان همراهی داشته باشند.



آموزش شهروندی، ضرورت جامعه امروز

و ارزش های دموکراتیک برای مقابله با آثار مخرب تنش های معاصر مثل اختلاف نژادی و فرهنگی می پردازند. دسته دیگر به روش های آموزشی تربیت شهروندی نظیر بحث آزاد کلاسی نظرسنجی از شاگردان در بخش های گوناگون برنامه درسی روش حل مسئله گروهی فرضیه سازی اندیشمندانه و تفکر انتقادی توجه دارند. دسته دیگر به درگیر شدن فعالانه شاگردان و مشارکت در صحنه اجتماعی و حتی سیاسی در تربیت مدنی و شهروندی حساسیت بیشتری نشان می دهند.

صرف نظر از دیدگاه ها و نقطه نظرات متفاوتی که در این زمینه وجود دارد می توان برنامه ها را به دو گروه تقسیم کرد:

۱- آموزش مستقیم تربیت شهروندی: در قالب کلاس های درس، سمینارها، کنفرانس ها با توجه به ماهیت برنامه های درسی طراحی و به مرحله اجرا درمی آید.

۲- آموزش ضمنی تربیت شهروندی: از طریق رسانه ها و وسایل آموزشی مانند سی دی و... و اینترنت اجرا می شود. به غیر از برنامه های درسی رسمی در مدارس، با توجه به مطالعات و پژوهش های انجام شده می توان از عوامل دیگری مانند خانواده، دوستان و همکلاسی ها، مدرسین و کتب مذهبی، فعالیت های فوق برنامه به عنوان دیگر راهکارهای تربیت شهروندی نام برد، که البته نقش خانواده و مدرسه در این بین برجسته تر است. برای مثال در هنگ کنگ برای تربیت شهروندی از اردوهای دانش آموزی و در اندونزی از آموزش های نظامی استفاده می کنند. امید است که با برنامه ریزی صحیح آموزشی در قالب برنامه درسی مدارس و مراکز آموزشی و فراهم کردن جو آموزشی مناسب و آشنایی شهروندان به لزوم یادگیری این اصول در راستای جامعه ای بهتر و پیشرفته تر بتوان فرهنگ شهروندی را در جامعه مدنی نوپای ایران به جایگاه واقعی خود نزدیک کرد.

نویسنده: ناز یلا خطیب زنجانی، روزنامه کیهان

می شود باید برنامه ریزی آموزشی حساب شده ای را برای تمام اقشار جامعه به طور وسیع در نظر گرفت که می توان آن را از رسمی ترین نظام آموزشی کشور یعنی آموزش و پرورش آغاز کرد. شواهد زیادی دال بر این مطلب وجود دارد که دانش آموزان و دانشجویان به مدرسه و دانشگاه می روند بدون آن که دانش و مهارت و ارزش هایی را بیاموزند که پایه و اساس مسئولیت پذیری در قالب جامعه و زبندیه یک شهروند خوب در آینده باشد. اگر آموزش را سرمایه گذاری برای آینده بگیریم آموزش شهروندی سرمایه گذاری برای آینده مورد نظر کشور در تمامی ابعاد است. زمانی می توان از حقوق شهروندی صحبت کرد که مفهوم آن را با تمام وجوه و مشخصات آن شناساند و بارور کرد. نمی توانیم از جوانان انتظار داشته باشیم تا بدون آمادگی قبلی ناگهان تبدیل به شهروندی متعهد و مسئول شوند. کودکان باید هم فکری، مشورت و شناخت قوانین لازم زندگی در محله و شهر را از زمان پیش دبستانی و کودکی همراه با آموزش های محیطی و ملموس با مشارکت کودکان دیگر فراگیرند. پاکیزگی شهر و محیط زندگی، احترام به حقوق دیگران، رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی و حق تقدم در تمامی امور شهروندی، آموزش بهداشت عمومی و دفع صحیح زباله و... از جمله عواملی هستند که باید از همان دوران کودکی با آموزش نهادینه شوند زیرا پس از رشد و بلوغ افراد عادات در آنها تقویت و تثبیت شده و تغییر آن ها به تمایلات طبیعی ناممکن و دیر است. چامپلیس (۱۹۹۷) می نویسد: در هر جامعه ای ارزش ها و طرز تلقی ها و بینش ها و مهارت ها به همراه الگوها و روش های مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژه ای منتقل می شود و فلسفه تأسیس نظام های تربیتی، پرورش چنین شهروندانی است.

روش های بسیاری را در تدریس آموزش های مربوط به شهروندی می توان در برنامه ریزی های درسی دانش آموزان و دانشجویان گنجاند. کشورهایی که به اصول دموکراسی معتقدند بیشتر به آموزش حقوق

امروزه در کشورهای بزرگ جهان بخش عظیمی از تحقیقات و منابع مصروف کشف این حقیقت می شود که شهروند مطلوب باید دارای چه خصوصیتی باشد و چگونه می توان این ویژگی ها را در اقشار مختلف جامعه توسعه داد. در مطالعاتی که با مشارکت بیش از بیست کشور جهان تحت عنوان «مطالعات شهروندی» انجام گرفته است؛ اهمیت تخصیص موارد فوق آشکار می شود و این در حالی است که متأسفانه اکنون توجه چندانی به آموزش بنیادین شهروند خوب نمی شود. در این راستا ابتدا باید به تعریفی در باب شهروندی و ملاک های شهروند خوب بودن پرداخت. شهروندی مفهومی چندبعدی و دارای معانی مختلف است که این اختلاف از تفاوت فلسفه های حاکم بر هر جامعه و ارزش های آن نشأت می گیرد. اما فاکتوری که بیشتر مورد توجه جامعه شناسان است انطباق تعریف شهر با شهروند است. نتایج مطالعات نشان داده که مفهوم شهروندی حداقل شامل چهار عنصر اصلی «هویت ملی، تعلقات اجتماعی و فرهنگی و فرامیلتی، نظام اثربخش حقوقی و مشارکت مدنی و سیاسی» است. این مفاهیم دارای ارتباط درونی و تعامل با یکدیگرند و در حقیقت چهار انعکاس یک واقعیت هستند، یعنی مفهوم شهروندی.

برای شهروندی الگوهای مختلفی مطرح شده که بارزترین آن ها توسط کستلر ۱۹۹۷ عنوان شده است که در این بین به تعریف الگوی «کثرت گرا» می پردازیم. در این الگو افراد دارای حقوق برابر هستند و تمام شهروندان به حوزه های اجتماعی و منابع دسترسی دارند. بدون این که انتظار ترک تعلقات و احساسات متفاوت افراد مطرح باشد. بنابراین در این الگو افراد با هر دین و ملیتی به دلیل احساس مشترک شهروندی در امور جامعه مشارکت فعال دارند.

با توجه به این که هر جامعه ای با عنایت به زمینه های فرهنگی و ارزشی خود به شهروندان خاص با خصوصیات ویژه ای نیاز دارد و این امر ضامن بقا و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه و پیشرفت کشور

گفتنی است سند برنامه درسی ملی بعد از توشیح و امضای رئیس جمهور به عنوان رئیس شورای عالی آموزش و پرورش برای اجرا ابلاغ خواهد شد.

همچنین در این جلسه اجرای آزمایشی اساسنامه مدارس ورزش برای دو سال دیگر (۹۲-۹۱ و ۹۳-۹۲) تمدید شد.

رتبه بندی و ارتقای شغلی معلمان

رئیس کمیسیون آموزش مجلس گفت: مقرر شد تا دو یا سه ماه آینده، آموزش و پرورش برنامه اجرایی در مورد راهکارهای مرتبط با اردوها، فعالیت هایی در جهت قرآن و نماز و ارتقای بیش دانش آموزان در روزهای پنجشنبه را ارائه دهد. زاهدی با بیان اینکه یکی از محورهای مورد بحث و نویدبخش به جامعه معلمان در این جلسه، رتبه بندی و ارتقای شغلی معلمان است، گفت: مقرر شده است که مجلس با همکاری آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی، این طرح را در مجلس پیگیری کند تا جایگاه واقعی معلمان در جامعه تبیین شود.

وی با بیان اینکه معلمان از بدو ورود به آموزش و پرورش تا دوره بازنشستگی از عنوان معلم و دبیر برخوردار هستند و هیچگونه تغییری در عنوان آنها ایجاد نمی شود، افزود: این شرایط در حالی است که نیروهای مسلح و حتی در دانشگاه ها رتبه بندی وجود دارد. رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در خصوص تعطیلی پنجشنبه های مدارس عنوان کرد: مناسب است که این واژه دیگر به کار برده نشود زیرا مصوبه ای در این زمینه در آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود ندارد.

برنامه درسی ملی تصویب شد

هشتمصد و هفتاد و دومین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش با حضور حاجی بابایی وزیر آموزش و پرورش، مهدی نوید دبیر کل شورای عالی و سایر اعضای آن برگزار گردید.

در این جلسه بندهای باقیمانده از برنامه درسی ملی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و به تصویب رسید.

مهدی نوید دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش در توضیح فرایند تدوین و تصویب سند برنامه درسی ملی اظهار داشت: در سال ۸۵ در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی تدوین و تنظیم برنامه درسی ملی آغاز شد.

وی با اشاره به وصول ویرایش چهارم برنامه درسی ملی در سال ۹۰ و تصویب دو موضوع زمان آموزشی و ساختار آموزش در شورای عالی، تصریح کرد:

در آن سال مقرر شد ویرایش چهارم این سند مورد بازنگری قرار گیرد و بدین ترتیب پس از حدود ۸ ماه، ویرایش پنجم سند به شورای عالی آموزش و پرورش رسید.

دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش با اشاره به این که سند برنامه درسی طی ۸۵ جلسه در یک کارگروه از شورای عالی آموزش و پرورش مورد بحث قرار گرفت، افزود: شورای عالی آموزش و پرورش امروز بعد از ۱۴ جلسه و گذشت ۱/۵ سال کار کارشناسی این سند را به تصویب رساند.

ایشان با اعلام تأکید فراوان وزیر آموزش و پرورش بر این سند به عنوان سندی تحول آفرین، خاطرنشان کرد: سند برنامه درسی ملی به عنوان سندی مادر، محور سیاست گذاری و تعیین محتوای کتب درسی پایه های مختلف تحصیلی و تحول محتوایی آموزش و پرورش قرار خواهد گرفت.



پیام فرماندار

احمد کامالی، فرماندار و رئیس شورای آموزش و پرورش شهرستان اردکان در پیام خود آغاز سال تحصیلی جدید را تبریک گفت. متن این پیام بدین شرح است:

فرا رسیدن بهار تعلیم و تربیت، گشایش دوباره مدرسه و دانشگاه ها، هنگامه تجلی زیبای مهر و محبت و ایثار معلمان و مهر افروزان را به صاحبان خرد و اندیشه و به ویژه به فرهنگیان گرانقدر، پرتلاش، دلسوز و متعهد و دانش آموزان و دانشجویان عزیز و به همه رهپویان طریق علم و معنویت تبریک و تهنیت عرض می نمایم.

این ایام عزیز و فرخنده با سالگرد هفته دفاع مقدس مصادف شده که یادآور ایثارگری ها، فداکاری ها و از جان گذشتگی های حماسه سازان لشکر اسلام می باشد. یاد و خاطره یادگاران آن مقطع درخشان ماندگار و پرافتخار از تاریخ کشور عزیزمان ایران را گرمی می دایم و به روح پرفروش شهیدان درود می فرستیم. همه ساله میلیون ها دانش آموز و دانشجو با شروع سال تحصیلی جدید، با علاقه و شوق زانداالوصفی برای کسب دانش روانه مدارس و دانشگاه ها می شوند تا در این رهگذر فصل جدیدی را در زندگی پر از امید خویش آغاز نمایند. این تکیا و شور و نشاط نشان از آینده ای درخشان و سرشار از توسعه و پیشرفت برای کشور عزیز اسلامیمان دارد.

رهبر معظم و عالیقدر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) به عنوان پرچمدار نهضت تولید علم، از جامعه علمی کشور و دانش آموزان و دانشجویان، خواسته اند ایران عزیز ما در آینده ای نه چندان دور به قدرت علمی اول منطقه تبدیل شود و این مطالبه بجا و به حق جز با همت بلند، سعی بلیغ و تلاش خستگی ناپذیر شما فرزندان غیرتمند این مرز و بوم تحقق پیدا نخواهد کرد. در آغاز سال تحصیلی جدید از دانش آموزان و دانش پژوهان عزیز انتظار این است که این دوران پربرکت را قدر بدانند و به شکرانه این نعمت ارزشمند و با توکل به خدا و اعتماد به نفس و تلاش و جدیت شان در فراگیری علم و دانش راه خود را به سوی آینده ای درخشان بگشایند و پیوسته برای تزکیه نفس از خدای سبحان یاری بجویند و خودشان را به قدرت علم و ایمان نیرومند سازند.

آینده پرنشاط و رویه رشد و توسعه شهرستان اردکان در گرو تلاش، مجاهدت و پشتکار بی وقفه امروز شما دانش آموزان و دانشجویان عزیز و فراگیری دروس تحصیلی و تحقیق و بررسی پیرامون پدیده های گوناگون است.

امید است تبریک خدمتگزار خود را به مناسبت آغاز سال تحصیلی و بهار تعلیم و تربیت پذیرا باشید. سعادت و پیروزی همه دانش آموزان و دانشجویان و فرهنگیان شهرستان اردکان را خاضعانه از درگاه خالق کائنات مسئلت دارم.

درباره تعطیلی روز ششم

موضوع تعطیلی مدارس در روزهای پنجشنبه، محل نزاع دولت و برخی مجلسی هاست. از یک سو وزارت آموزش و پرورش اصرار بر تعطیلی مدارس در روزهای پنجشنبه دارد و از سوی دیگر، مخالفان این کار را آسیبی به روند تحصیلی دانش آموزان می دانند.

حمیدرضا حاج بابایی، وزیر آموزش و پرورش در پاسخ به منتقدان گفته است: «حوزه های علمیه و دانشگاه آزاد هم در روزهای پنجشنبه تعطیل است. چرا این همه اصرار وجود دارد که پنجشنبه ها، مدارس باید باز باشد... ما معتقدیم که هم اکنون شکاف بین نسلی ایجاد شده است. خانواده ها بسیار کم در کنار یکدیگر هستند. بنابراین باید شرايطی را فراهم کرد تا خواهر و برادر و پدر و مادر بیشتر در کنار هم باشند...» در این باره نکاتی چند قابل توجه است:

۱ - با گذشت چند روز از آغاز سال تحصیلی، اصرار بر باز شدن مدارس در روزهای پنجشنبه، امری عجیب است چه آن که برنامه های مدارس از تقسیم معلمان گرفته تا برنامه هفتگی و بودجه بندی درس ها و زیرساخت های دیگر، بر مبنای ۵ روز آموزش در هفته انجام شده است و نمی توان ناگهان با یک مصوبه، روز ششم را هم به آن افزود و از نو برنامه ریزی کرد!

۲ - وزیر آموزش و پرورش به نکته خوبی اشاره کرده است: «حوزه های علمیه و دانشگاه آزاد هم در روزهای پنجشنبه تعطیل است. چرا این همه اصرار وجود دارد که پنجشنبه ها، مدارس باید باز باشد.»

به این نکته ظریف، می توان تعطیلات خود مجلس را هم اضافه کرد که در ایام زیادی از سال تعطیل است. حال خود مجلسی ها که این همه انتقاد از تعطیلات شان وجود دارد، گیر داده اند به یک روز تعطیلی دانش آموزان!

آن ها اگر معتقدند که تعطیلات زیان بار است، ابتدا از تعطیلات خود بکاهند و بعد به تعطیلی بچه ها بپردازند!

۳ - این سخن که تعطیلی پنجشنبه ها روند آموزش در کشور را کند می کند هم به هیچ روی پذیرفتنی نیست؛ گویا از نظر آقایان و خانم های نماینده، مدارس محل دوره های فشرده علمی برای «تربیت فوری دانشمند» هستند یا قرار است در آن ها، کاری مانند دوره «آموزش سریع» نیروهای نظامی قبل از اعزام به جنگ انجام گیرد که درنگ در آن جایز نیست!

این در حالی است که آموزش و پرورش، یک فرایند طولانی است که شکل رسمی اش حداقل ۱۲ سال طول می کشد و در این مدت، نباید بچه ها را از خانواده ها منفک کرد بلکه اتفاقاً فرصت دادن به کودکان و نوجوانان برای سپری کردن ایام پایانی هفته در کنار خانواده ها، بخشی از فرایند آموزش و پرورش برای نهادینه سازی ارزش های اجتماعی مستقر در کانون خانواده است.

۴ - کادر آموزشی، به ویژه در شهرهای بزرگ نیز مانند کارمندانی که پنجشنبه ها تعطیل هستند، نیازمند آرامش و استراحت در ایام پایانی هفته اند و این، اتفاقاً به افزایش راندمان کاری آن ها در طول هفته کمک می کند.

۵ - تعطیلی دروس رسمی در روزهای پنجشنبه، این امکان را فراهم می سازد که انجمن های اولیا و مربیان بتوانند از پتانسیل خالی مدارس در این ایام برای اهداف آموزشی و پرورشی که صلاح می دانند استفاده کنند. این موضوع می تواند دغدغه اولیایی که خودشان پنجشنبه ها سر کار می روند و کودکان شان امکان تنها ماندن در خانه را ندارند، برطرف کند.

۶ - تعطیلی پنجشنبه ها، امکان و فرصت سفرهای کوتاه مدت آخر هفته را برای خانواده ها فراهم می کند که مثلاً بتوانند از بعد از ظهر چهارشنبه تا جمعه شب را سفر کنند و این امر می تواند به رونق اقتصادی کشور نیز کمک کند و در بهره مندی بهینه از ایام تعطیل مؤثر باشد چه آن که معمولاً «تعطیلی تک روز جمعه» به بطالت می گذرد.



چهار کوچه هرات

محمد جواد عابدی اردکانی

بالآخره روزی که انتظارش را می کشیدم فرارسید. روز آغاز معلمی. صبح سوم مهر ماه ۷۴ را با نشاطی آمیخته با اضطراب آغاز کردم. شب را با هزار جور فکر و خیال به صبح پیوند زده بودم. همه افکارم متوجه این روز تاریخی بود. چرا که برای اولین بار می بایست به عنوان یک معلم در سر کلاس درس حاضر می شدم. با آن که که بیش از دو دهه از زندگی ام را در کلاس درس و مدرسه گذرانده بودم؛ اما چون این بار متفاوت تر از همیشه بود برایم دلهره آور بود. شب قبل مدام به این روز فکر می کردم و آموخته های دوران تحصیلم در تربیت معلم را مرور می کردم. از هنر کلاس داری تا روش تدریس و تجربه های تمرین دبیری...

آغازین روز معلمی من به صورت رسمی مقارن با سومین روز از ماه مهر بود. ساعت ۷/۲۰ را نشان می داد که از منزل استیجاری ام در روستایی سبز در حاشیه شهر هرات به قصد رفتن به مدرسه بیرون زدم. می بایست فاصله چند کیلومتری روستا تا شهر را طی می کردم تا به مدرسه ای که قرار بود اولین تجربه معلمی من در آن رقم بخورد بروم. آن قدر سرگرم افکار و اندیشه هایم بودم که نمی دادم فاصله خانه تا مقابل مسجد روستا را چگونه آمدم. کنار مسجد چند تایی از بچه های روستا ایستاده بودند. (امیر) نوه دختری صاحب خانه ام در روستا هم بود. تنها کسی بود که مرا می شناخت. مرا به دوستانش معرفی کرد و چون می دانست باید به شهر بروم پیشنهاد داد تا با آن ها همراه شوم. انتظارم زیاد طول نکشید. مینی بوس سرویس دانش آموزان دبیرستانی از راه رسید و من با کسب اجازه از راننده، سوار شدم. نشستم همان اولین صندلی و باز در افکارم غوطه ور شدم. به تنها چیزی که می اندیشیدم اولین حضورم در جمع دانش آموزان بود. یعنی همان اولین تجربه شغلی ام. زمان سریع تر از آن چه تصورش را می کردم سپری شد. صدای راننده مینی بوس مرا به خود آورد. آقای عزیز... آقای عزیز... چهار کوچه می خواستید پیاده شوید؟

مات و مبہوت نگاهی به دور و بر خود انداختم. تنها سرنشین مینی بوس من بودم. خدای من بچه ها کی و کجا پیاده شده بودند؟ با خداحافظی از راننده که با پاسخ «به

از این دانش آموز را منتظر نگذاشت و با گفتن جمله «بفرما»، ارتباط بصری ما را قطع کرد و دانش آموز هم با برداشتن دفتر کلاس در حالی که تا موقع خروجش از دفتر مرا زیر نگاه تیزبین خود داشت؛ از دفتر خارج شد. فهمیدم موقع رفتن به کلاس شده. تپش قلبم زیاده تر شده بود. لحظه به لحظه که می گذشت اضطرابم بیشتر می شد. شاید اگر غول چراغ جادو در خدمتم بود تنها آرزویم در آن لحظه این بود که زمان را متوقف سازدا نگاهی به اطراف انداختم. کسی در دفتر مدرسه نبود. همه همکاران به کلاس هایشان رفته بودند. من مانده بودم، افکارم و...

پس از چند لحظه مدیر و معاونش با هم وارد دفتر شدند. مدیر که از بدو ورودم تا این لحظه متوجه رفتارم شده بود شروع به دل داری دادن به من کرد و ار تجربیات آغاز راهی برای من گفت که اکنون او در سی امین سال آن قرار داشت. جملات او برایم تسکین دهنده بود. خطاب به معاونش گفت: آقای فلانی را به شهید صدوقی راهنمایی کنید. جا خوردم. منظور حرفش را نفهمیده بودم. معاون که دید من متعجب شده ام همراه با لیخندی گرم دستی به پشتم گذاشت و مرا به سمت کلاس ها هدایت کرد و در مسیر کلاس، ضمن نشان دادن تابلو کلاس های مدرسه گفت: «شهید صدوقی» نام یکی از کلاس های اول مدرسه ماست و من تابلوها را زیر نگاه مات و مبہوت می گذراندم: دوم شهید بهشتی، سوم شهید رجائی و...

بالآخره با گام هایی لرزان به انتهای راهرو مدرسه رسیدم. روبروی کلاس شهید صدوقی که رسیدیم؛ ایستادیم. معاون می خواست همراه من وارد کلاس شود تا مرا معرفی کند اما نمی دادم چه شد که از او خواست تا اجازه دهد خودم تنها وارد کلاس شوم. او نیز با لیخند و تکان دادن سرش که حاکی از تأیید خواسته من بود آخرین کلامش را گفت: آقای ... موفق باشید... و مرا با تمام احساساتم، نگرایی هایم، افکارم و تصوراتم تنها به حال خود رها کرد و رفت. خیلی زود از گفته خودم پشیمان شدم. ای کاش اجازه می دادم با من به کلاس بیایید. ولی دیگر فایده ای نداشت. معاون رفته بود و من تنها در راهرو مدرسه ایستاده بودم. به سمت در رفتم. هر چه نزدیک تر می شدم صدای همه هم بچه ها بیشتر به گوش می رسید. می شد حدس زد چه خبر است. در ذهنم کلاسی را تصور کردم که میز و نیمکت هایش را به هم ریخته باشند و دانش آموزان به سر و کله هم بزنند! هر لحظه ترسم بیشتر می شد. ترس از حضور

سلامت» او همراه شد، پیاده شدم و قدم به درون کوچه مدرسه گذاشتم. باز همان افکار به ذهنم سرازیر شد. در پاهایم احساس سنگینی می کردم. انگار وزنه ای به سنگینی دلهره به پاهایم بسته باشند. حالا دیگر صدای ضربان قلبم و نفس هایم را به وضوح می شنیدم. داخل کوچه ای که به مدرسه ام ختم می شد پر بود از هیاهو و سروصدا. کودکانی معصوم، شادمانه و پرتفاوت با کوله باری از کتاب و دفتر بر دوش به سمت مدرسه می رفتند. شلوغ، پر سروصدا. ترسی وجودم را احاطه کرد. اگر این بچه های بازیگوش خواسته باشند توی کلاس درس هم این طور شلوغ کنند چگونه می توانم کلاس را کنترل کنم... فاصله کوتاه تا مدرسه را به مرور تجربیاتم در تمرین معلمی و مرور آموخته هایم از فنون کلاس داری پرداختم. آن قدر در افکارم و دلهره هایم غرق شده بودم که اگر نیروئی مرا به سمت مدرسه نمی کشید مطمئن بودم در کوچه پس کوچه های شهر هرات گم می شدم. برای لحظه ای از افکارم جدا شدم. خودم را مقابل درب ورودی مدرسه ای یافتم که بر روی تابلو آن نقش بسته بود: «مدرسه راهنمایی امیرکبیر».

قدم به درون حیاط مدرسه گذاشتم و به سمت کلاس ها رفتم. از میان جمعی رد می شدم که لحظاتی پیش تر با عده ای از آن ها در کوچه مدرسه همراه بودم. توجه همه را به خود جلب کرده بودم. این را می شد از نگاهشان فهمید. نگاه هایی جدی، موشکافانه و بعضا با تعجب. شاید تنها سؤال همه آن ها این بود که این جوان غریبه کیست؟ هر کدام شان زیر لب چیزی می گفتند اما من متوجه کلام هیچ کدام نشدم، جز چند سلام کردن کوتاه که تنها با یک کلمه ساده جواب دادم: سلام! در نگاهشان محرومیت، معصومیت و صمیمیت مشترک بود.

وقتی وارد راهروی مدرسه شدم آقای بی به استقبال من آمد و با خوشرویی تمام مرا به دفتر مدرسه راهنمایی کرد. با ورودم به دفتر مدرسه، این بار خجالت هم خودش را به جمع ترس و دلهره اضافه کرد. بعد از آشنایی مختصر با تک تک همکاران رفتم و گوشه ای از دفتر مدرسه روی صندلی چرمی که گرد کهنگی بر آن نشسته بود نشستم و باز بی اختیار غرق در افکارم شدم. هنوز باورم نمی شد که من معلم شده ام و بچه ها مرا «آقا معلم» صدا خواهند زد. با صدای «آقا اجازه» دانش آموزی رشته افکار ذهنم پاره شد. سرم را بلند کردم. نگاهم به نگاه معصومانه کودکی که روبرویم ایستاده بود دوخته شد. منتظر من بود تا اجازه دهم وارد دفتر شود. مدتی به هم خیره ماندیم. مانده بودم چه بگویم که مدیر مدرسه به فریادم رسید و بیش

دوست و همکار گرامی جناب آقای محمد جواد عابدی اردکانی

اتصاف شایسته جنابعالی به عنوان مدیر دبیرستان ماندگار شرف را تبریک عرض نموده، رجای واثق داریم که با مدیریت، تلاش و کوشش شما و همکاران محترم، همچون گذشته این دبیرستان بر تارک فرهنگ و اندیشه این دیار بدرخشد.

مرکز مشاورت کنونی
فایز سرچ حرف

مشاوره، روابط عمومی و رسانه
گرامی، چاپ و تبلیغات

NAGHSH

درخشش چشمگیر دانش آموزان مستعد مدرسه راهنمایی بعثت

در دبیرستان های استعداد های درخشان و نمونه دولتی

زهره افخمی نام پدر: مهدی استعداد های درخشان	فاطمه السادات قاضی نام پدر: سید محمود استعداد های درخشان	زهره جهانبانی نام پدر: محمد استعداد های درخشان
فریده مروئی نام پدر: مهدی... نمونه دولتی	یلدا دوراندیش نام پدر: علی استعداد های درخشان	مرضیه نعمتی نام پدر: محمود استعداد های درخشان
حمیده جوان نام پدر: عباس نمونه دولتی	لیلا افخمی نام پدر: جواد نمونه دولتی	زهره دهستانی نام پدر: حسن استعداد های درخشان
مهدیه نوریان نام پدر: اکبر استعداد های درخشان	مرضیه نوریان نام پدر: اکبر استعداد های درخشان	مهناز محسینیان نام پدر: حمید رضا استعداد های درخشان



از صفر تا بیست...

جواد بهجتی اردکانی

وقتی در سال تحصیلی ۷۳-۷۲ افتخار آموزگاری کلاس دوم ابتدایی یکی از مدارس به من محول شد، بعد از گذشت یک هفته وقتی دانش آموزان را از نظر درسی و اخلاقی محک زدم، همه آن‌ها - جز یکی که از نظر درسی ضعف داشت - خوب و مؤدب بودند. «محمد» که به نظر می‌رسید شرایط کلاس دوم را ندارد، از جثه‌ای نحیف و کوچک و از نظر رفتاری شلوغ و بیش‌فعال بود. الفبای فارسی را فرا نگرفته بود و تسلط کافی بر روی حروف نداشت. آن‌ها را جابه‌جا تلفظ کرده و می‌نوشت. به‌طور کلی شکل الفبا را از یاد برده بود. ساده‌ترین املا که از درس‌های سال اول برایش می‌گفتم؛ «صفر» می‌گرفت. با این‌که اکثریت شاگردانم خیلی خوب بودند، از بابت او بسیار ناراحت بودم. وجدانم راضی نمی‌شد به حال خود رهايش کنم. با خودم عهد کردم که دست از او برندارم تا مانند دیگر شاگردان کلاس شود. هر روز یکی از روش‌هایی را که مناسب تشخیص می‌دادم به‌کار می‌بستم و تأثیرات آن را به دقت نظاره می‌کردم. اما انکار محمد قرار نبود امسال را با من هم‌کاری کند.

ناچار پدر و مادرش را به مدرسه دعوت نموده و از آن‌ها درباره چگونگی اعمال و رفتارش در خانه سؤالاتی پرسیدم و از این طریق اطلاعاتی از او به دست آوردم. هم‌چنین پای صحبت‌های معلم سال گذشته‌اش که به مدرسه دیگری منتقل شده بود نشستم و نکاتی را یادداشت کردم. آن‌ها همگی به شلوغ بودن و سر به هوا بودن و دل به کار ندادن او اشاره کردند. با این تفاسیل هم من دست‌بردار نبودم، هم او به راه نمی‌آمد! تصمیم گرفتم با مشاهده رفتارهایش در خارج از کلاس و حیاط مدرسه، حتی در کوچه و خیابان، او را کنترل نموده تا حلقه گم‌شده این مشکل را پیدا کنم و نقطه ضعفی در او بیابم که نقطه قوت من شود تا از این راه بتوانم به قول قدیمی‌ها «لنگش کنم» و مشکل را حل نمایم.

پس از چند روز او را در حیاط مدرسه دیدم که با تعدادی از هم‌کلاسی‌هایش کلنجار می‌رود. به جز او همه مشغول خوردن شکلات بودند، هر چه اصرار می‌کرد به او اعتنایی نمی‌کردند. در نهایت با دوز و کلک و ترفندِ گریه و لامه به مقصود خود رسید

و شکلاتشان را گرفت. با دیدن این رفتار او فردای آن روز با یک شیشه بزرگ پر از آب‌نبات‌های مغزدار - شکلاتی که قنادهای اردکانی در تهیه آن مهارت دارند - وارد کلاس شدم و آن را روی میز، در معرض دید همه قرار دادم و چیزی نگفتم.

همه کنجکاوانه شیشه و محتوای آن را نگاه می‌کردند و با هم در این‌باره صحبت می‌کردند. گذاشتم خوب نظرشان جلب شود و سؤالاتی در ذهن‌شان شکل بگیرد! بعد از دیدن تکالیف و پرسش درس، در حالی‌که همه منتظر حل معمای شیشه بودند، به آن‌ها گفتم: این آب‌نبات‌های خوشمزه جایزه کسانی است که طبق گروه‌بندی من موفق به کسب بالاترین نمره گروه خود شوند. سپس اسامی گروه‌ها و نمرات مورد نظر را برای آن‌ها توضیح دادم. مثلاً گروه «الف» بالاترین نمره‌اش ۲۰ و گروه «د»، ۱۲ بود. بعد از این توضیحات بیشتر بچه‌ها خوشحال و راضی بودند مگر محمد! او را دیدم که با خودش کلنجار می‌رود و نگران است. چند نفری از بچه‌ها به او گفتند: «تو که نمی‌توانی فکرش را هم نکن.» بلافاصله ادامه دادم: اما برای نفری که نمره خوبی در املا نمی‌گیرد شرایط فرق می‌کند و با نگاه به محمد توضیح دادم اگر صفر نیابود جایزه را می‌گیرد آن هم با یک ارفاق که هر دفعه یک یا دو خط املا برایش مشخص می‌کنم و برای این‌که بچه‌ها اعتراضی نکنند گفتم: «فعلاً این‌طور عمل می‌کنم.» محمد چند املا را صفر آورد و با حسرت تمام و بغضی در گلو به بچه‌های دیگر که با شادمانی شکلات‌ها را می‌خوردند نگاه می‌کرد. لذا برای تحت فشار قرار دادن محمد در کلاس، گفتم بودم کسی حق ندارد جایزه‌اش را به دیگری بدهد! اگر او را خیلی دوست دارید می‌توانید در درس‌ها به او کمک کرده و تشویقش نمایید تا موفق شود. برای این‌که سرخورده و مأیوس نشود، او را صدا زدم و گفتم: املای بعدی به کلمه‌های درست تو نمره می‌دهم، سعی خودت را بکن. من به تو امیدوارم، تو می‌توانی. با اشاره به شیشه گفتم: «زود باش؛ شکلات‌ها منتظر تو نمی‌مانند.»

املاي بعد، محمد ۵ آورد. در حالی‌که به او جایزه می‌دادم به بچه‌های کلاس گفتم او را تشویق کنند. او از فرط خوشحالی گریه می‌کرد و می‌لرزید و به شکلاتش نگاه می‌کرد. دلش نمی‌آمد آن را بخورد. عاقبت بعد از مدتی آن را در دهان گذاشت و نتیجه تلاش و نمره صفر نگرفتن خودش را با تمام لذت چشید. طولی نکشید که به درس علاقه‌مند شد و من به

او امیدوار. هر روز نمرات بهتری می‌گرفت و مورد تشویق من و بچه‌ها واقع می‌شد. بارها شکلات دادن به او را قطع کردم ولی او هم‌چنان پیشرفت می‌کرد. نمرات او تا ۱۵ و ۱۶ رسیده بود تا این‌که روزی به او گفتم حالا تو لیاقت آن را داری که نمره ۲۰ بیاوری و در صورت موفقیت علاوه بر جایزه در کلاس به مدیر می‌گویم در صبحگاه جلوی همه بچه‌ها تو را تشویق کرده و جایزه بدهد و ادامه دادم «تو دیگر از املا ترسی نداری؛ پس بیشتر دقت کن. نمره ۲۰ تو حتمی است.»

فردای آن روز با سرزندگی خاصی در کلاس حاضر شده و نگاهش تغییر کرده بود. گویی خودش را از قبل آماده کرده بود و لب‌بندی بر لب داشت. ساعت املا دفترش را برداشت و جلو پنجره کلاس با دقت تمام مشغول نوشتن شد. خیالش راحت بود. هیچ ترس و دلهره‌ای در چهره‌اش مشاهده نمی‌شد. انگار نه انگار تا دیروز صفر می‌گرفت و گریه می‌کرد. در پایان املا به بچه‌ها گفتم هر کس املاي بغل‌دستی خود را تصحیح کند و بدون این‌که من سخنی گفته باشم دفترش را به طرف من آورد و با لبخند و اطمینان خاطر گفت: اَلا! می‌خواهم اولین مرا شما بدهی!



با دقت تمام آن را تصحیح کردم - حتی مته به خشخاش گذاشتم - هیچ ارفاقی به او نکردم با خوشحالی دیدم تمامی جملات را صحیح نوشته و هیچ غلطی ندارد و ۲۰ می‌گیرد. وقتی نمره محمد را برای بچه‌ها خواندم کلاس از جا کنده شد و همه برایش دست زدند و سوت کشیدند. دیگر کنترلی بر کلاس نداشتم؛ بچه‌ها از خوشحالی در کلاس بالا و پایین می‌پریدند. انکار کلاس در خوشحالی غرق شده بود. واقعیت را بگویم خودم هم انتظار داشتم بچه‌ها چنین رفتاری از خودشان

نشان بدهند و هم‌کلاسی خود را از ته دل تشویق کنند. خلاصه به هر نحوی بود کلاس را آرام کردم و در حضور بچه‌های کلاس به او گفتم دیدی چطور همه تو را تشویق کردند... همیشه خوب درس بخوان تا نزد من و بچه‌ها و پدر و مادرت عزیز باشی. زنگ تفریح، معلم‌ها علت شلوغی کلاس را از من پرسیدند و من شرح ماقع را برای آنها توضیح دادم و همه تعجب کردند. قولی را که به محمد داده بودم برای مدیر گفتم و او قبول کرد.

فردا صبح مدیر در صبحگاه مدرسه با جایزه‌های خوب او را مورد تشویق قرار داد و من، «ماجرای صفر تا بیست» او را برای بچه‌های مدرسه بازگو کردم و به همه گفتم شما می‌توانید با تلاش و کوشش از صفر به ۲۰ برسید. پس از امروز تلاش کنید تا به زودی نتیجه‌اش را مثل محمد ببینید. بعد از آن محمد همیشه در درس املا و روخوانی فارسی ۲۰ می‌گرفت در حالی‌که دیگر آب‌نباتی در کار نبود. او به خودباوری و فلات یادگیری رسیده بود و به نظر خودش «لذت احترام و تشویق شما و هم کلاسی‌ها و پدر و مادرم از همه چیز بیشتر است».

به هر حال در پایان سال، محمد در زمره نفرات برتر کلاس قرار داشت و با معدل بالا از کلاس دوم فارغ‌التحصیل شد. مدیر و همکارانم مرا مورد تحسین و تقدیر خودشان قرار دادند.

من مزد زحمات خودم را گرفتم و از این‌که عاقبت پیروز شده بودم؛ احساس خاصی داشتم که قابل وصف نیست. هنوز که آن خاطرات یادم می‌آید؛ آن حس خوب به سراغم می‌آید و تا مدت‌ها شاد می‌شوم. من دانستم که دانش‌آموز با توجه و تشویق می‌تواند کوه را به کاهی تبدیل کند و بر مشکلات فایق آید. فقط معلم باید از روی دلسوزی و وظیفه انسانی، با صبر و درایت و توجه به تفاوت‌های فردی و با شناسایی علایق، قلق هر دانش‌آموز را پیدا نموده و از طریق آن، استعدادهای بالقوه او را، بالفعل درآورده و شکوفا سازد تا دانش‌آموز به خودباوری برسد.

از همه اساتید و دوستان فرهنگی تقاضا دارم با تجارب ارزنده مهارت‌های ویژه خود دانش‌آموزان را به احسن تقویم تبدیل کرده و حس تکامل را در آن‌ها بیدار نموده و تقویت نمایند و با علم و معرفت خود، آن‌ها را مورد تعلیم و تربیت قرار دهند تا آینده کشور ما از همه لحاظ بیمه گردد.

برندگان مسابقات معارف و فرهنگی - هنری مرحله شهرستان سال ۹۱ راهنمایی شهدای شریف آباد



همچنین این آموزشگاه موفق به کسب رتبه اول استان در رشته های زیر شده است:



با تشکر از مربی آموزشگاه: سرکار خانم مرضیه بهجتی

و مدیریت آموزشگاه: سکینه ملارجیمی



تجربیات مدیریتی

رضا خدایی

«رضا خدایی»، با ۲۰ سال سابقه آموزشی و خدمت در آموزش و پرورش، اکنون به عنوان مدیر مدرسه راهنمایی شهید رجایی(شاهد) اردکان، مشغول به کار است. وی ۱۲ سال نیز به عنوان دبیر ریاضی در مدارس شهرستان‌های مهریز، یزد و اردکان تدریس نموده است. آن‌چه در پی می‌آید، گوشه‌ای از تجربیات و عوامل موفقیت نامبرده در طول ۸ سال مدیریت بر مدرسه شاهد اردکان، به قلم ایشان است.

از مطالعات و تجربیات مدیریت آموزشی در مدرسه، این‌چنین آموختم که:

- مدیریت آموزشی، مدیریتی است بی‌نظیر و غیر قابل مقایسه با همه مدیریت‌ها.
- شخصی که مدرسه‌ای را اداره می‌کند، به واقع جامعه و حتی جهانی را اداره می‌کند.
- مدیر مدرسه، همزمان با هم، دست‌ها، دل‌ها و مغزها را اداره می‌کند.
- مدیریت مدرسه مهارتی است آموختنی و مبتنی بر عشق، اعتماد، ایمان و امید.
- مدیریت مدرسه، نوعی فلسفه، علم، هنر و صنعت است؛ به این معنی که جهان بینی خاص خود را دارد.

- مدیر مدرسه باید انتقادپذیر و دوستدار تغییرات مطلوب باشد.

- مدیر مدرسه به اقتضای حرفه‌اش، ناگزیر است مظهر الگوی اخلاقی، کردار انسانی و انسانیت باشد.

- در مدیریت مدرسه، مدرک تحصیلی مؤثر است، اما تعیین‌کننده نیست. چون بخش عمده این امر، هنر است و مستلزم خلاقیت.

- مدیر مدرسه در برقراری روابط انسانی صادقانه با شهروندان، خصوصاً همکاران و محصلان و اولیاء آنها باید کوشا باشد.

- مدیر مدرسه باید بداند که مردم، در هر شرایطی محترم و قابل اهمیت‌اند. آن‌ها می‌فهمند و قابل اعتمادند.

اما اجازه بدهید در این مجال، پیشنهاداتی را به همکاران عزیز و ارجمندم که مدیریت واحدهای آموزشی شهرستان را به عهده دارند، پیرامون «شاد سازی و بازدهی هر چه بهتر فضاهای آموزشی» عرض نمایم:

- تشویق دانش آموزان به خلاقیت و نوآوری و ایجاد زمینه‌هایی برای بروز استعداد آن‌ها.

- نظارت بر تمیزی و نظافت مستمر محیط مدرسه و کلاس‌های درس و ایجاد عادت مناسب در دانش‌آموزان برای رعایت نظافت شخصی و جمعی در مدرسه.

- ترغیب دانش‌آموزان به استفاده از لباس‌های رنگی و شاد که مغایر با ضوابط و آیین نامه اجرایی مدارس نباشد.

- تغییر مرتب دکوراسیون مدارس، به طوری که دانش‌آموز هر هفته با طرحی جدید و نو در مدرسه خود مواجه شود.

- روی آوردن به بازی‌های پرورشی و سنتی در مدارس و اجرای یک بازی جدید در هر روز یا هفته در زمانی مشخص و حدود ۱۰ دقیقه، که زنگ‌های تفریح برای این موضوع پیشنهاد می‌شود.

- ایجاد تفکر مثبت در دانش‌آموزان پیرامون این موضوع که فقط کاستی‌ها و مشکلات را نبینند و به دنبال زیبایی‌ها و نکات مثبت در زندگی روزمره و در مدرسه باشند.

- القای مفاهیم و ظرایف دینی به دانش‌آموز با شیوه‌هایی نو و جذاب.

- توجه به فعالیت‌های گروهی و شیوه تدریس فعال در آموزش‌های علمی و دینی و جلب مشارکت دانش‌آموزان و تعامل آنان در تدریس و فراگیری مطالب درسی.

- مشارکت دادن جدی و نه شعاری دانش‌آموزان در امور مدرسه و استفاده از نظرات آنان در شاداب سازی محیط مدارس.

- اجرای هفته‌ای یک برنامه با عنوان ایستگاه خنده با استفاده از برنامه‌ها و هنرنمایی‌های خود دانش‌آموزان و بعضاً هنرمندان حاضر در مدارس که در عین فرح بخش بودن، مغایر با شئون اخلاقی نیز نباشد.

- دادن جوایز نفیس به بهترین و کاربردی‌ترین طرح های شاداب سازی که دانش آموزان و اولیاء آن‌ها ارائه می‌دهند.

- اجرای مراسم صبحگاه در قالب برنامه‌های شاد و متنوع از جمله نرمش صبحگاهی با آهنگی مناسب.

همه آن‌چه در بالا ذکر شد، گوشه‌ای از تجربیات مدیریتی این‌جانب در ۸ سال مدیریت مدرسه شاهد اردکان است. امیدوارم همکاران عزیز و ارجمندم، با ارائه نظرات و پیشنهادات خود در خصوص مطالب ذکر شده، در تکمیل و بهره‌وری هر چه بیشتر آن کوشا باشند.



تذکره‌الایام

مرتضی عابدی اردکانی
www.ardakaneman.blogfa.com

شنبه: فکر نو یادت نره

لباس نو، کیف نو، کتاب نو، دفتر نو... مادر یادت نرود، امروز روز اول مهره، خواب نمونی! این صدا شاید برای خیلی‌ها در آغاز سال نو تحصیلی عادی باشد، اما کم‌تر کسی شنیده است که بزرگتری هنگام خرج از خانه به تو بگوید: فکر نو یادت نره.

آری: کاش هر سال به همان اندازه که به نو بودن لوازم‌التحریر، لباس، کیف و... خود اهمیت می‌دادیم یا می‌دادند، کمی هم برای نو و جدید بودن افکارمان اهمیت قائل می‌شدیم. اگر قرار است با همان افکار گذشته و بدون بروز آوری پای در سالی نو بگذاریم، گمان می‌برم از قافله خردورزی عقب می‌مانیم. البته یادتان نرود که تحول بنیادین نیاز نداریم؛ اگر زیرساخت‌هایمان را قبلاً خوب ساخته باشیم.

یکشنبه: زنگ خوش خاطرات

کوچه پس‌کوچه‌های خاطرات معلمی و شاگردی پر است از لحظه‌های شادی و اندوه. گاه سر از پا نمی‌شناسی و گاه آن‌چنان در غم شاگردت شریک می‌شوی که انگار غم او غم توست. اصلاً نه تنها معلم که انسان است و خاطراتش، روزهایی که به تاریخ می‌پیوندند و تو هیچ راهی جز تکرار مکرر آن در دل و جان نداری. خاطراتی که گاهی خود می‌تواند رمانی دلکش از سه دهه زندگی با شاگردانت را به زیور چاپ منتقل سازد. اما به گمانم در میان حجم انبوه خاطرات، آن دسته که انسان‌سازتر بوده‌اند، ماندگارتر



هوای مدرسه...

مجید میراب‌زاده اردکانی

طبق عادت همیشه که به اردکان می‌آم سری زدم به مغازه مرحوم سلطانی (کتابفروشی پارس). حتماً اون‌جا رو خوب می‌شناسید. برای یک احوال‌پرسی، گپ خودمانی و احیاناً خرید یا ورق زدن یک یا چند جلد کتاب.

مغازه خیلی شلوغ بود و آقا شهرام و چند تا از نوه‌های مرحوم سلطانی اون‌جا بودن. سر همه به پاسخگویی به مشتریان پرشماری که بانوبت و بی‌نوبت در حال خرید کردن بودن گرم بود.

یک سلام و علیک نصفه و نیمه با آقا شهرام، هر از گاهی سؤالی و هر از گاهی جوابی و قطع مکالمه تا فرصتی دوباره. مکالمه خسته کننده و نیمه‌کننده. تو این حال و هوا بودم که حواسم رفت به شلوغی مغازه و مشتری‌ها. آقا کلاسوناتون همین‌هاست، دفتر نقاشی چهل‌برگ دارین، پاک‌کن و... این‌ها همه چیزهایی بود که مکرراً از سوی مشتریان مغازه شنیده می‌شد. همه این‌ها به یک چیز ربط داشت و اون نزدیکی به مهرماه و بازگشایی مدارس بود.

حالم عوض شد و اضطراب همه وجودمو فرا گرفت.

اضطراب دیررسیدن به مدرسه، دلپره روز اول مدرسه، بیدارشدن صبح، لباس پوشیدن و آماده شدن و... انگار همین دیروز بود.

روز اول مدرسه، اولین صفی که ایستادیم، اولین صبحگاه، اولین کلاس، اولین نیمکت، اولین معلم، اولین دوست، اولین بیست، اولین آفرین، اولین صدآفرین و صد تا اولین دیگه...

دلم هوایی شده بود، بدجور هوای مدرسه و کلاس درس رو کرده بودم. حاضرم سطل اشغال کلاس رو پر از آجر کنن، بدن دستم، روی یه پا بایستم گوشه کلاس ولی دوباره اون روزای خوب و خاطرات فراموش نشدنی رو تجربه کنم.

نیمکتون، آره خوب یادمه؛ همه شیرهای روی میز و همه ترک‌های روی نیمکت حتی یکی از پایه‌های نیمکتون کوتاه‌تر بود که بعدها عوضش کردن.

می‌باشند.

دوشنبه: ساعت بعد حساب

همه مدرسه را شاید به خاطر زنگ‌های تفریحش می‌شناسند، البته خداییش خیلی هم تفریح نیست، کمی سر و صدای بیپهوده و باهوده! تخلیه انرژی و در مقاطع بالاتر کزکردن گوشه حیاط مدرسه و شکل و شمایل معنادر جماعت به خود گرفتن! اما در پس این به اصطلاح تفریح، زنگ حساب است. زمان پس دادن ریز و درشت رفتار و کردارمان. پس به هوش باشیم که فرصت زندگی کردن اندک و زمان زندگی بخشیدن بس اندک‌تر. حواسمان را خوب خوب جمع کنیم که ریز و درشت اعمالمان حساب می‌شود، آن‌هم شاید در همان زنگ تفریح زندگی!

سه شنبه: تخته سفید هوشمند

امروز کلی می‌خندیم چون معلمی داریم که بیچاره خیلی هم نمی‌تواند با این تخته سفیدهای مثلاً هوشمند کار کند. ما هم که خوره سرکار گذاشتن همه مخصوصاً معلم جماعت ناشی هستیم، شنبه تا سه‌شنبه انتظار می‌کشیم تا... البته ناگفته نماند که هوشمندسازی به نصب یکی دو تا تخته سفید توی مدرسه ختم نمی‌شود، آدم‌های هوشمند نیاز داریم که صد البته خیلی تعدادشون زیاد نیست. در ضمن اون بنده خدا بیست و نه سال سابقه خدمتش رو با گچ و تخته سیاه گذرونده، حتی به رنگ سفیدش هم سخت عادت می‌کنه چه برسه به هوشمندش و صد البته آمار وارقام وزارت آموزش و پرورش نشان از تسلط همه معلمان بر ابزارهای هوشمند تدریس در مدارس ما داردا!

چهارشنبه: گرسنگی، سوهان روح

آخ که تعطیلی پنجشنبه‌ها، شده بلای جون



دوهفته‌نامه آیینه کویر

ما گشنه‌جماعت در مدارس، دو روز در هفته هشت ساعتی هستی بدون این‌که لقمه‌ای صبحانه درست و حسابی بخوری یا بخور دمان دهند!

نهضت اهداء تغذیه رایگان هم که تا راه بیفتد، سال تحصیلی به نیمه‌هایش رسیده است. تازه اونم که شامل حال راهنمایی و متوسطه یای نمی‌شه یا اگه نشه سنگین‌تره! کاش اونایی که این تراز جهانی آموزش و پرورش می‌دن یکبار با دل گشنه جای ما در کلاس درس می‌نشستن تا بفهمند که شکم گرسنه سوادش نمی‌آید!

پنجشنبه: جمعه‌ای جدید

به برکت اجرای طرح‌های صد البته کارشناسی شده، خدا را شکر دو سالی است که پنجشنبه‌های مدارس تقریباً تعطیله. این تقریباً هم برای اینکه خیلی از مدارس بازه، خیلی بسته، البته بازی‌ها بهانه فوق برنامه دارن و بسته‌ها ۴۸ ساعت کامل در کمای تعطیلی به سر می‌برند. خدا را شکر که اگر نظام آموزشی ما کیفیت مدارس خارج از کشور را ندارد کمیت آن را دارد. بماند از نظرات موافق و مخالف و باز هم صد البته از کار کارشناسی در خصوص خوب یا بد بودن آن و احتمالاً بروز برخی آسیب‌های اجتماعی. از قدیم گفته‌اند مدرسه‌ها که تعطیل می‌شه بچه‌ها می‌گن جون! معلما می‌گن آخ جون!

جمعه: فته‌لی، تعطیله

با عنایت به تعطیلی پنجشنبه، عملاً این روز از تقویم کاری سال تحصیلی حذف شده است. درس و مشق هم تعطیل، فقط غم و غصه فردا شنبه همچنان برقرار است که امید می‌رود با درایت مسئولین این مشکل هم برطرف گردد. واین ایام را کیبی کرده در تمام طول سال تحصیلی که صد البته چندان هم طولانی نیست.

داستان عوض شدنش هم مفصله، پایه سمت مسعود پایه عقبی نیمکت حتماً اگه ببینمش می‌شناسمش. ترسیدم، اضطراب و دلپره روز اول مدرسه کم بود. ترسیدم؛ ترسیدم از این‌که اگه نیمکتون رو ببینم، نشناسمش. حتماً همون‌جوری نمونده، حسابی کهنه و فرسوده شده، شاید تا حالا انداخته باشن دور، حتماً انداختنش... چون الان که دیگه میزا و نیمکتنا نو و از جنس خوب هستند؛ پس آدما چی می‌شن، آدمای اون کلاس کجا هستن، همشاگردیام، خیلی وقته ندیدمشون، معلمون، آقای عصارزاده... دلم برای همشون تنگ شده.

- مجید کجایی؟ حالت خوبه؟ حواست کجاست؟

- آره خوبم، تو مدرسه ارشاد بودم.

- خدا شفا بده، آفتاب خورده!

- باید برم. خداحافظ.

- کج؟

- کار دارم.

- بیا این طرفا.

- باشه، خداحافظ.

اینا آخرین مکالمات من و آقا شهرام بود.

از مغازه اومدم بیرون، نور و روشنایی شدید بیرون همراه با آفتاب بی‌رمق شهرپورماه که بر خلاف آقا شهرام زورش به ما نمی‌رسید کمی منو از این حال و هوا در آورد.

شنیده بودم یه جایی تو خیابون سعدی هست که پاتوق معلمای بازنشسته آموزش و پرورش شده، اگه برم اونجا حتماً می‌تونم خاطرات خوبم را پیدا کنم. آره اون‌جا پره از یک دنیا خاطره، درد دل و حرف‌های شنیدنی. یادمه هیچ وقت نتونستم از معلمای خوبم به خاطر کلمه‌کلمه‌ای که به من آموختن تشکر کنم. حالا فرصت خوبیه تا به اونجا برم یک تشکر ساده و ناچیز داشته باشم از اون همه زحمت و محبت بی‌دریغ.

آره این بهترین کار و منطقی‌ترین روش برای تجدید خاطرات خوب گذشته است. خاطراتی که هرگز تکرار نمی‌شن، و ما اونا رو برای همیشه از دست داده‌ایم...

معلمان از خانه دانش‌آموزان پرمسئله، حضور داوطلبان در مدرسه و...

راههای گسترش مشارکت اولیاء و مربیان

مهم‌ترین انتظارات اولیاء از مدیران بر اساس نتایج به دست آمده عبارت‌اند از:

۱. حضور همه‌جانبه اولیاء و مربیان در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و اداره مدرسه.
۲. اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع درباره وضعیت تحصیلی و تربیتی دانش آموزان و مسائل و مشکلات مدرسه.
۳. قدردانی از فعالیت‌ها و همکاری‌های اولیاء در مدرسه.
۴. ایجاد فضای لازم برای رشد و شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان.
۵. استفاده مناسب از توانایی‌های تخصصی و مهارتی اولیاء.
۶. برگزاری جلسات مشترک اولیاء و مربیان به طور مستمر.
۷. کیفیت‌بخشی به امر آموزش در مدرسه.

۳. فعال نبودن دانش‌آموزان در امر مشارکت.

۴. فعال نبودن معلمان در امر مشارکت.

۵. نبود تبلیغات و آگاه‌سازی برای جلب مردم به مشارکت.

راهکارها

مهم‌ترین عامل در ایجاد جلب مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش آگاه کردن مردم از تمام جوانب مشارکت است. برای این منظور می‌توان به اقدامات زیر دست زد:

۱. شرکت دادن مردم در جلسات عمومی انجمن اولیاء و مربیان.
۲. ترغیب خانواده‌ها به شرکت مستمر در کلاس‌های آموزش خانواده.
۳. گسترش تبلیغات رادیو و تلویزیونی در این زمینه.
۴. استفاده از نقش شوراهای آموزش و پرورش در جهت آگاهی دادن به مردم.

مشارکت اولیا در مدرسه

مشارکت واقعی و جدی قشرهای متفاوت مردم در اداره امور جامعه و بیش از هر جا در آموزش و پرورش و در سنگر مدرسه معنای درست خود را پیدا می‌کند. این مشارکت در صورتی تحقق می‌یابد که بهترین روابط، یعنی حسن تفاهم، اعتماد، همدلی، همناندیشی و مصمیمیت میان اولیاء و مربیان برقرار باشد.

موانع و کاستی‌ها

کاستی‌های جلب مشارکت مردمی را در عوامل ذیل می‌توان یافت:

۱. ضعف مدارس در برقراری ارتباط با اولیاء و اطلاع‌رسانی صحیح و به‌موقع.
۲. ضعف در برنامه‌ریزی و عملکرد یا ناهماهنگی در نگرش‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با توجه به گوناگونی مدارس از نظر آموزشی، اجتماعی و فرهنگی.



دوهفته‌نامه آیین‌ه کویر

رنج معلّم

ماه مهر آمد و تابستان رفت

تا بیایم به کلاس و هر روز

من هنرپیشه‌ام و هست کلاس

بچه‌ها – یا که تماشاچی‌ها –

هدفم پرورش گل‌هایی است

دل و جانم ز پی این مقصود

تخته را پاک کن احمد تا من

هان منوچهر! چرا خاموشی؟

تو که فعال‌ترین شاگردی

دفتر از بهر تو نگرفته پدر؟

بچه‌ها باز ز من می‌پرسند

تو چه دانی که از این پرسش‌ها

باز من هستم و شاگردانم

بدهم درس به فرزندانم!

صحنه بازی جان‌فرسایم

نگذارند دمی آسایم

که در این فصل خزان می‌رویند

ناخودآگاه سخن می‌گویند

بنویسم بر آن درسی را

به دلت راه مده ترسی را!

چشت از چیست که اشک‌آلود است؟

می‌خرد جانم حالا زود است!

زان سوّالات که دل سوزانند

چه کشم رنج، خدا می‌داند

علی اکبر بلالی

مدرسه‌ی عشق

در مجالی که برایم باقی‌ست

باز همراه شما، مدرسه‌ای می‌سازیم

که در آن، همواره، اول صبح

به زبانی ساده

«مهر» تدریس کنند

و بگویند خدا

خالق زیبایی

و سراینده‌ی عشق

آفریننده‌ی ماست

مهربانی‌ست که ما را به نکویی

دانایی، زیبایی

و به خود می‌خواند

جتنی دارد نزدیک، زیبا و بزرگ

دوزخی دارد – به گمانم –

کوچک و بعید

در پی سودایی‌ست

که ببخشد ما را

و بفهماندمان

ترس ما بیرون از دایره‌ی رحمت اوست

در مجالی که برایم باقی‌ست

باز همراه شما مدرسه‌ای می‌سازیم

که خرد را با عشق

علم را با احساس

و ریاضی را با شعر

دین را با عرفان

همه را با تشویق تدریس کنند

لای انگشت کسی

قلمی نگذارند

و نخوانند کسی را حیوان

و نگویند کسی را کودک

و معلم هر روز

«روح» را حاضر و غایب بکند

و به جز از ایمانش

هیچ کس چیزی را حفظ نباید بکند

کوچه‌ها

گم می‌شوی دوباره در آغوش کوچه‌ها

بر شاخه‌های خم شده بر هوش کوچه‌ها

روزی رسید خوشه احساس چشم تو

حس می‌کنی ترانه خاموش کوچه‌ها

امروز دیدمست که چگونه پناه برد

چشمان حسرت تو در آغوش کوچه‌ها

رد می‌شود دوباره از این جاده کودک‌کی

گل می‌زند به گیسوی معشوق کوچه‌ها

در لابلای خاطره‌های تو آشناست

این کودک همیشه فراموش کوچه‌ها

تا از سطور کهنه این شعر رد شدی

تکرار شد صدای تو در گوش کوچه‌ها

عالیه محرابی (یزد)



اقیانوس بیداری

راه را می‌گفت و من باور نکردم

درس را می‌داد و من از بر نکردم

باغ را می‌کاشت، اما خواب بودم

چشمها را نذر آن منظر نکردم

بود اقیانوسی از بیداری؛ اما

من دریغ از او لبی هم تر نکردم

می‌وزد طوفان از این حزان و دردا

در تمام زندگی پیدا از او بهتر نکردم

وای آن دم کز کلاس کوچک ما

صبحگاهی رفت و من باور نکردم

قاسم درویشی

مغزاها پر نشود چون انبار

قلب خالی نشود از احساس

درس‌هایی بدهند

که به جای مغز، دل‌ها را تسخیر کند

از کتاب تاریخ

جنگ را بردارند

در کلاس انشا

هر کسی حرف دلش را بزند

«غیرممکن» را از خاطره‌ها محو کنند

تا کسی بعد از این

باز همواره نگوید «هرگز»

و به آسانی هم‌رنگ جماعت نشود

زنگ نقاشی تکرار شود

رنگ را در پاییز تعلیم دهند

قطره را در باران

موج را در ساحل

زندگی را در رفتن و برگشتن از قله‌ی کوه

و عبادت را در خلقت خلق

کار را رد کندو

و طبیعت را در جنگل و دشت

مشق شب این باشد

که شبی چندین بار

همه تکرار کنیم:

عدل، آزادی، قانون، شادی

امتحانی بشود

که بسنجند ما را

تا بفهمند چه‌قدر

عاشق و آگه و آدم شده‌ایم

در مجالی که برایم باقی‌ست

باز همراه شما مدرسه‌ای می‌سازیم

که در آن، آخر وقت

و زبانی ساده، «شعر» تدریس کنند

به بگویند که تا فرداها

خالق عشق نگهدار شما...

مجتبی کاشانی

مهرماه ۱۳۹۱

ویژه‌نامه آغاز سال تحصیلی

باران

به آشیانه فراخوان مرا در این باران

غبار ثانیه‌ها روی زندگی مانده‌است

دوباره می‌چکد از چننگ بی‌قرار غروب

چه سرد می‌رسد از راه و می‌نشیند گرم

ببین که میل غزل کرده آسمان دلم

مرا بخوان و در این بارش خیال‌انگیز

گمان کنم که نشسته است در کمین باران

کجاست فرصت دستان نوازنین باران

همان ترنم زیبا و دل‌نشین باران

چو بوسه بر لب خشکیده زمین باران

و دست قافیه دارد در آستین باران

تو هم ز گوشه چشم ترم بچین باران

فاطمه احمدزاده (ابرکوه)

از مکتب تا مدرسه

آموزش مرسوم‌ی که عمر والدین ما به آن قد دهد همان مکتب خانه ای است که از سده دوم قمری جای خود را در جامعه باز کرد. تا اوایل قرن حاضر شاید بیش از ۸۰ درصد امور آموزشی در دست مکتب خانه‌ها بود. نظام آموزشی در مکتب به گونه‌ای بود که هر کس در هر سنی می‌توانست وارد آن شود و تا هر زمان که می‌خواست فرصت استفاده از مکتب را داشت. مکتب‌خانه‌ها که با آموزش قرآن شکل گرفته بودند با خواندن کتب و نگارش، نقش آموزشی یافتند. این مراکز به دلیل مذهبی بیرون مساجد قرار داشتند. مشهورترین مکتب، مکتب‌خانه ابوالقاسم بلخی (۱۰۵ق. م) بوده که ۳۰۰۰ دانش آموز داشته است. سن آغاز تحصیل برای کودکان حدود پنج سالگی بوده است. پس از آموختن هجا و ابجد (الفبای عربی)، شاگرد باید یک کله قند برای استاد می‌برد.

آموزش بعدی روخوانی جزء آخر قرآن (عم جزء) بوده و در همین حین نیز خواندن یک کتاب فارسی (معمولا گلستان سعدی، کتاب جودی، خاله سوسکه، عاق والدین، ترسل) به کودک آموزش داده می‌شد. این روند تا هنگامی که کودک هشت ساله شود ادامه می‌یافته و پس از آن به پسران نوشتن می‌آموختند. علاوه بر نوشتن حروف، حساب و شریات (بر اساس رساله مرجع تقلید زمان) نیز به پسران آموخته می‌شد. پایان دوره آموزشی (که معمولا پایان اطلاعات مکتب‌دار نیز بود) در این زمان فرا می‌رسید.

نظام آموزشی با تغییرات سیاسی اجتماعی جامعه دستخوش تغییر قرار می‌گرفت. از دوره صفویان، ابتدا در اصفهان و سپس در تبریز و سایر شهرهای بزرگ، مسیونرهای مذهبی اروپایی اقدام به دایر کردن آموزشگاه‌هایی به سبک غربی نمودند. این سیر آموزشی ادامه داشت تا دوره امیرکبیر که دارالفنون تاسیس شد. امیرکبیر در سال ۱۲۲۵ خورشیدی دارالفنون را که اولین موسسه عالی به سبک نوین در ایران بود راه‌اندازی کرد. در سال ۱۳۰۰ خورشیدی قانون شورای عالی فرهنگ جهت اداره امور کلیه مدارس تصویب شد. زمان مظفرالدین شاه بود که دبستان و دبیرستان در ایران گشایش یافت.

گذر از مکتبخانه‌ها به مدارس شاید یکی از موضوعات مهم در تاریخ مشروطیت ایران به شمار رود. آموزش اجباری رایگان که پیش از این و در دوره مشروطیت برای کودکان اجباری شد. به جرات می‌توان گفت نظام آموزش وپرورش رسمی ایران در واقع از انقلاب مشروطیت و پس از وضع قانون اساسی و متمم آن به وجود آمده است. مطالعه اسناد و مدارک مربوط به تاریخ آموزش و پرورش در ایران نشان می‌دهد که نخستین بار در ۹ آبان ۱۲۹۰ م، ش، مجلس شورای ملی قانون تعلیمات اجباری را تصویب کرد. با آغاز به کار رضاشاه و گسترش مدارس رایگان، عملا بساط مکتبخانه‌ها برچیده شد.

در سال ۱۳۱۲ دانشسراهای مقدماتی و عالی برای تربیت معلم و دبیر، تاسیس شد. ایجاد مدارس اکابر برای آموزش بزرگسالان در سال ۱۳۱۵ و اعزام دانشجو به کشورهای اروپایی به منظور استفاده از آن‌ها در مراحل آموزشی کشور صورت گرفت. تا سال ۱۳۴۳ دو مقطع آموزش ابتدایی و متوسطه وجود داشت و پس از آن به سه دوره ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان تقسیم گردیده است.

از سال ۱۳۴۵ به بعد به خاطر تحولات اجتماعی و دگرگونی‌های اقتصادی اجتماعی در برنامه های آموزشی تغییراتی اصولی در تشکیلات و برنامه‌های نظام آموزش و پرورش به وجود آمد که مهم‌ترین آن تاکید بر سوادآموزی و آموزش اجباری ابتدایی، مخصوصا در روستاها بود.

بعد از انقلاب بود که شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی از فروردین ۱۳۶۵ رسما آغاز به کار کرد و پس از ۱۵۰ جلسه بحث، طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران را تدوین کرد که در شهریور ۱۳۶۹ تصویب شد. سال ۶۸ ساختار جدید نظام آموزشی براساس ۲ دوره ۶ ساله (ابتدایی و متوسطه) در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید که به دلیل فراهم نبودن امکانات و مقدمات آن اجرا نشد. دهه هفتاد بود که نظام آموزشی دوره متوسطه در کشور پس از ۵ دهه راه تحول در پیش گرفت.

کتب درسی و متون آموزشی با تغییراتی جزیی حداقل تا سه نسل دست به دست شد. این در حالی بود که در سال ۷۱ نظام جدید آموزشی کشور مطرح شده و به صورت آزمایشی در چند استان به مرحله اجرا در آمد. طی سال ۷۲، ۲۰ درصد از مدارس، طی سال ۷۳ بالغ بر ۴۰ درصد و طی سال ۷۴ بالغ بر ۶۰ درصد و طی سال ۷۵ کلیه مدارس دوره متوسطه ایران تحت پوشش نظام مذکور قرار گرفته و در ۲۴ آبان سال ۷۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. طی سال تحصیلی ۷۶-۷۵ ورود به مراکز پیش دانشگاهی بر اساس آزمون میسر شد چرا که طرح نظام جدید از مرحله آزمایشی خارج شده و به تصویب مجلس رسید.

در سال ۸۹ به بهانه بررسی و تصویب سند ملی آموزش وپرورش تغییر ساختار نظام آموزشی در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد که در این مصوبه نظام آموزشی ۳-۶- به تصویب رسید و مبنای آن ۶ ساله شدن دوره ابتدایی و ۲ دوره ۳ ساله مقطع متوسطه قرار گرفت.



موزه فرهنگ نماد فرهنگ

نادر پیری اردکانی

اواخر سال ۱۳۸۳ بود که طرح موزه فرهنگ را به مدیر وقت آموزش و پرورش ارائه کردم. این طرح زمانی به ذهنم خطور کرد که در همان سال، اسناد فرهنگی منزل حضرت ایت‌الله خاتمی (ره) در هنگام تعمیر منزل وی در حال نابودی بود. موضوع فوق سبب شد در سال ۱۳۸۴ این طرح را ارائه کنم و در همان سال طرح فوق در شورای اداری و منطقه‌ای و شورای پیشنهادات اداره آموزش و پرورش مصوب شد و در مهرماه ۱۳۸۴ کار جمع‌آوری اسناد و اشیاء موزه فرهنگ آغاز گردید.

اما متأسفانه این فعالیت تا سال ۱۳۸۶ بیشتر ادامه نیافت و با تغییر مدیریت آموزش و پرورش، تا خرداد ماه ۱۳۹۱ موزه به حالت تعطیل درآمد. ولی خوشبختانه با دید مثبت مدیریت جدید و معاونت تربیتی آموزش و پرورش و با اعتقاد راسخ به این طرح و حمایت‌های مالی فرماندار، کار تجهیز و رانندازی موزه آغاز شده و به یاری خدا در روزهای آتی درب موزه به روی همه علاقه مندان به فرهنگ و میراث باز خواهد شد.

اما طرح موزه در هفت بخش تعریف شده که شامل بخش‌های ۱-شهادی فرهنگی ۲-معرفی نخبه‌های دانش‌آموزی ۳-معرفی نخبه‌های فرهنگی، ورزشی و علمی فرهنگیان و مدیران آموزش و پرورش ۴-معرفی خیرین مدرسه‌ساز ۵-اسناد و مکتوبات ۶- ارائه وسایل کمک آموزشی ۷-نموار آماری آموزش و پرورش در بخش‌های مختلف است.

البته این طرح جزئیات دیگری نیز دارد، از جمله مصاحبه شفاهی با پیشکسوتان عرصه آموزش و پرورش که به امید خدا پس از افتتاح، این فعالیت نیز آغاز می‌گردد.

هدف از طرح این است که فرهنگ و آموزش گذشته و امروز به هم پیوند بخورد و به گونه‌ای پالایش شود که هویت آموزش گذشته برای نسل آتی حفظ گردد. دانش‌آموزان و فرهنگیان جوان دریابند که آموزش و تربیت در این شهر از

حکایت

معلم کُتّابی دیدم در دیار مغرب، ترش‌روی تلخ گفتار بدخوی مردم آزار گدا طبع ناب‌هیز‌گار که عیش مسلمانان به دیدن او تبّه گشتی و خواندن قرآنش دل مردم سیه کردی.
جمعی پسران پاکیزه و دختران دوشیزه به دست جفای او گرفتار؛ نه زهره خنده و نه یارای گفتار.
که عارض سیمین یکی را طینچه زدی و که ساق بلورین دیگری شکنجه کردی.
القصه شنیدم که طرفی از خیانت نفس او معلوم کردند و بزدند و برانندند و مکتب او را به مصلحی دادند
پارسای سلیم نیک مرد حلیم، که سخن جز به حکم ضرورت نگفتی و موجب آزار کس بر زبانش نرفتی.
کودکان را هیبت استاد نخستین از سر برفت و معلم دومین را اخلاقی ملکی دیدند و یک‌یک دیو شدند.
به اعتماد حلم او ترک علم دادند؛ اغلب اوقات به بازیچه فراهم

کجا آغاز شده و چگونه ادامه یافته، ضمن آن‌که ما قصد داریم فضایی ایجاد کنیم تا انگیزه‌ای شود تا دانش آموزان و فرهنگیان با تلاش مضاعف، خود را به موزه فرهنگ معرفی کنند.
بی‌شک موزه فرهنگ در سال‌های آتی آرشپو غنی از اسناد، اشیاء و مصاحبه‌های شفاهی فرهنگیان خواهد بود و به یقین تمامی خادمین عرصه تربیت و آموزش را به خوبی معرفی خواهد کرد و تاریخچه‌ای عینی از تمام فعالیت‌ها، افتخارات و تغییرات را در آموزش و تربیت نشان خواهد داد.
البته جمع‌آوری و آرشپو کردن محتوای موزه فرهنگ، منکی به شخص نیست بلکه جامعه فرهنگی شهرستان اردکان در این راه خطیر باید دست یاری بدهند تا این موزه بیش از پیش غنی‌تر گردد.
ناگفته نماند که اهداء اسناد و اشیاء فرهنگی به نام خود اهداکننده در معرض دید قرار می‌گیرد و یا آرشپو می‌شود.

در این‌جا از تمامی مردم اردکان درخواست دارم در صورتی که کتاب‌های آموزشی و غیرآموزشی، اسناد و اشیاء فرهنگی در اختیار دارند با اهداء آن‌ها به موزه فرهنگ آموزش و پرورش اردکان، ارزش‌های فرهنگی خود را بیش از پیش نشان داده و در راه خطیر آموزش و تحصیل برای رضای خدا گام بردارند تا ان‌شاءالله آپروبی باشد برای مردم این مرز و بوم.



نمونه‌ای از تصاویر موجود در بخش «فرهنگ عامه» موزه فرهنگ اردکان

افتخار آفرینان آموزشگاه بر خورداری احمدآباد



عباس دهقانی

دبیرستان ابن‌سینا

معدل: ۱۹/۵۰



سجاد قاسمی

دبیرستان شاهد

معدل: ۱۹/۷۰



علیرضا محمدی

دبیرستان نمونه

معدل: ۱۹/۹۸



امیرحسین دهقانی

دبیرستان ابن‌سینا

معدل: ۱۹/۵۹



مهدی شعبانی

دبیرستان ابن‌سینا

معدل: ۱۹/۷۵



محمدجواد طالبی

دبیرستان شاهد

معدل: ۱۹/۷۴



حسین توابی

دبیرستان شاهد

معدل: ۱۹/۷۸



حمیدرضا زارع‌پور

دبیرستان شاهد

معدل: ۱۹/۹۶



محمدجواد احمدی

دبیرستان شرف

معدل: ۱۹/۶۵



علیرضا بهشتی

دبیرستان ابن‌سینا

معدل: ۱۹/۱۹

در سال‌های اخیر به علل مختلف فرهنگی و اجتماعی – کمبود امکانات و بی‌توجهی و یا کم‌توجهی خانواده‌ها و مسئولین و… – استعدادهای نادر این سرزمین یکی پس از دیگری فنا شدند و در کوران رقابت‌های علمی و عملی واماندند. ولی ما ایمان داریم که ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است و منفعت زمانی حاصل می‌شود که جلوی ضرر گرفته شود.
از زمانی که جهاد را برای احیای فرزندان نخبه احمدآباد شروع کردیم؛ دو سه سالی می‌گذرد و حال، کم‌کم شکوفه‌های درخت تناور آموزشگاه برخورداری احمدآباد به بار نشسته است. در این راه مشکلات مادی و معنوی فراوان سر راهمان بوده و هست که از خانواده‌ها و مسئولین محترم شهر و استان‌مان تقاضای همراهی و همکاری و مساعدت داریم تا باز هم شاهد این باشیم که بچه‌های احمدآباد جزء کسانی باشند که در صف اول جهاد برای میهن، چرخ‌های تناور انقلاب را به حرکت درمی‌آورند.

رضا حیدری
مدیر آموزشگاه برخورداری

نشستندی و لوح درست ناکرده در سر هم شکستندی!
استاد معلم چو بود بی آزار

خرسک بازند کودکان در بازار

بعد از دو هفته بر آن مسجد گذر کردم، معلم اولین را دیدم که دل خوش کرده بودند و به جای خویش آورده. انصاف برنجیدم و لاجول گفتم که ابلیس را معلم ملائکه دیگر چرا کردند. پیرمردی ظریف جهاندیده گفت: پادشاهی پسر به مکتب داد

لوح سیمینش بر کنار نهاد

بر سر لوح او نبشته به زر

جور استاد به ز مهر پدر

گلستان سعدی، باب هفتم، حکایت چهارم

علم‌آموزی از نگاه قرآن

در قرآن کریم در آیات متعدد راجع به علم‌آموزی و تعلیم و تربیت و ارزش عالمان مطالبی بیان شده که غور و مطالعه در این آیات می‌رساند ارزشی که خداوند برای علم قائل است تا به آن حد است که شناخت علم به شناخت خداوند می‌رسد. یعنی همان سعادت واقعی که بشر در تلاش است بدان دست یابد. علم در قرآن به طور مطلق آمده و یک علم خاص در میان نیست. مثلاً وقتی که قرآن از کائنات و آسمان‌ها سخن می‌گوید از علم هوا فضا بحث به میان می‌آورد. برخی از مسلمانان خواسته‌اند علم را در بیان قرآن در چهارچوب علوم مذهبی و حتی فقهی منحصر بدانند، در حالی که همه جا از علم بطور مطلق یاد شده است و در گفته‌هایی از قبیل «اطلبو العلم ولو فی الصین» و «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً»، هر که حرفی به من آموخت مرا بنده خویش ساخت، عمومیت آن کاملاً پیدا است.

قرآن با کلمه «خواندن» شروع می‌شود: «قرا باسم ربک … الذی علم بالقلم» خدا انسان را به خواندن، نوشتن و تعلیم دادن دعوت نموده است، «علم الانسان مالم یعلم» به انسان آن‌چه را که نمی‌دانست یاد داد.

ارزش علم نزد خدا تا آنجا پیش می‌رود که خداوند به قلم و آنچه می‌نویسد یعنی به علم، قسم یاد می‌کند (قرآن، آیه ۱ سوره قلم، ۵۶۴).

خداوند از انسان می‌خواهد که در راه کسب علم تلاش کند و در این راه از او بهره جوید: «بگو خدایا دانش مرا افزون کن» (طه، ۱۱۴).

و در آیه ۱۱ سوره مجادله چنین آمده: خداوند بالا می‌برد کسانی را از شما که ایمان آورده و دانشمند هستند و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است (شبلی، ۱۳۷۰: ۳۲۰).

در آیه ۱۵ و ۱۶ سوره نمل آمده: و همانا ما به داوود و سلیمان مقام دانش عطا کردیم که گفتند ستای و سپاس خدای را که ما را بر بسیاری از بندگان با ایمانش فضیلت و برتری عطا فرمود و سلیمان که وارث ملک داوود شد به مردم گفت که ما را زبان مرغان آموختند و از هر گونه نعمت عطا کردند، این همان فضل و بخشش اشکار است (قرآن: ۴۳۶)

رسول الله (ص) فرموده‌اند: ای مردمان بدانید که دین هنگامی کامل و درست است که علم بیاموزید و علم خود را بکار بندید، آگاه باشید تحصیل علم واجب‌تر است از تحصیل مال (حکیمی، ۱۳۷۱: ۱۰۰). در جای دیگر می‌فرماید: دو نفر سیر نشوند، جوینده علم و جوینده دنیا (تاج لنگرودی واعظ، ۱۳۷۲: ۴۲۹).

کسی از پیامبر اعظم (ص) می‌پرسد اگر یک ساعت بیشتر تا مرگ من نمانده باشد آن یک ساعت را چه کنم؟ پاسخ می‌فرماید: برو آن را با مباحثه علمی بگذران.

پیغمبر (ص) وارد مسجد شد، جمعی به عبادت نشسته بودند و جمعی به بحث علمی مشغول بودند، پیغمبر در هر دو تگریست و به گروه دومی پیوست. پیامبر در ارزش علم فرموده: جستن علم بر هر مسلمانی واجب است و همه چیز حتی ماهیان دریا برای جویای علم آموزش می‌طلبند و صبح و شب در کار تعلیم علم به سر بردن، نزد خدا از جهاد بهتر است.

ایشان همچنین در ارزش عالم می‌فرماید: مردم قابل اعتماد دو گروه‌اند: عالم و علم‌آموز و در غیر آن‌ها چیزی نیست (فرید تنکابنی، ۱۳۸۴-۵: ۴۷۱).

و در جای دیگر می‌فرماید: با عالمان صالح مشورت کنید و چون تصمیم بر اجرای آن گرفتید به خدا توکل کنید (لدشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۳۵۵)

در میان ائمه معصوم (ع) بعد از پیامبر، امام علی (ع) تقریباً بیشترین تأکید را بر علم داشتند و این به دلیل باقی ماندن مجموعه خطبه‌ها و سخنان این بزرگوار است که در مجموعه‌ای تحت عنوان نهج‌البلاغه گردآوری شده است.

امام علی (ع) در تمام زمینه‌ها، بکارگیری روش علمی را واجب می‌شمرد و خود بدان عمل می‌کرد: چون علم یافتید بدان عمل کنید و هر آن‌که با علم رفتار کند، همچون کسی است که به راه روشن رود (آمدی، ۱۳۸۱: ۹۴ و ۱۷۲).

در مورد برتری مردم از یکدیگر، ملاک تشخیص را میزان علم و دانش آن‌ها قرار داده بود. بدرستی که مردم یا عالمان یا آموزنده علم و به جز این دو، پشه کورند (همان منبع: ۲۱۹).

و این‌که برتری مردم بر یکدیگر به دانش‌ها و خردهاست نه به ثروت‌ها و تبارها (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۱۳۶۵)

و به راستی که خداوند سیحان ثروت را به دوست و دشمنش ببخشد و علم را ندهد مگر به آن که او را دوست داشته باشد (آمدی، همان منبع: ۲۶۴)

دین‌داری و علم‌آموزی در نظر حضرت علی (ع) با یکدیگر ممزوج شده بود؛ چنان‌که وقتی که صفات پرهیزکاران را برمی‌شمارد می‌فرماید: پرهیزکاران گوش‌های خود را واقف دانش سودمند کرده‌اند … (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه ۱۹۳: ص ۲۸۷).

در راه کسب علم هرگونه سستی و تعلل منع شده است و هیچ عذری را نمی‌پذیرد و دانش راه عذر تراشی را بر بهانه جوانان بسته است (همان منبع، حکمت ۲۸۳: ص ۲۷۷).

در امر سیاست امام علی (ع) به فرمانداران خود فرمان می‌داد تا در مدیریت خود بر شهرها و مردم، با دانشمندان گفت و گو کنند (ارشاد، ۱۳۸۵: ۳۱۸). ای کیمیل انسان به دانش در زندگانی فرمانروایی کند و پس از مرگ یاد‌نیکو بر جای گذارد (تنکابنی، ۱۳۷۳: ۲۹۹).

امام علی (ع) همواره به تخصص در علمی خاص و عدم دخالت در علوم دیگر تأکید داشته و عالمی را که به جین علم خود عمل می‌کند، چون جاهل سرگردانی می‌داند که از بیماری نادانی شفا نخواهد گرفت. و عواقب آن را این‌طور برمی‌شمارد… بلکه حجت بر او قوی‌تر و حسرت و اندوه بر او استوارتر و در پیشگاه خدا به نگوشت سزاوارتر است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۱۰: ص ۱۴۹).

امام سجاد (ع) علمی را شایسته می‌داند که آن را بکار ببندیم. این بدان معناست که علم با عمل کردن به آن مفید واقع می‌شود. ایشان می‌فرماید: در انجیل نوشته شده است که تا آنچه را که آموخته‌اید بکار نیست‌نماید، در پی آموختن آنچه نمی‌دانید نروید زیرا علم هرگاه به آن عمل نشود، جز بر دوری عالم از خدا نغزاید (همان منبع: ۳۹۹۵).

نویسنده: جواد عسکری چاوردی